



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز یکشنبه (۲۹) آبان ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

فهرست مطالب :

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
- ۲ - بیانات آقای رئیس بمناسبت درگذشت شادروان رضا حکمت (سردار فاخر) و اعلام یک دقیقه سکوت .
- ۳ - بیانات قبل از دستور آقایان : ادیب مجلسی - لیوانی - دکتر تجدد - دکتر فرزاد امیری - تیمسار سرلشکر ایلخانی - آستانه‌ای .
- ۴ - تقدیم لایحه اجازه استرداد تا بانصد مترمربع از منابع ملی شده به اشخاص بوسیله آقای منصور معاون وزارت کشاورزی و عمران روستائی .
- ۵ - ادامه مذاکره در گزارش شورا اول کمیسیون دادگستری راجع به جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین .
- ۶ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

جلسه ساعت نه صبح بویاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
 (بشرح زیر خوانده شد)
 آقایان : آشوریان - آصف - ابطحی - دکتر ابوالهدی لنگرودی - اسکندری - دکتر اعتمادی - محمدصادق افتخار - جهانشاه افشار - الدانگی - امیر عشایری - اوحدی - اهری - باقرزاده - باقری - بسبیج خلجالی - بنی احمد - بهار - بهارلو - بهبهانی - بهره‌مند - پزشکی - تدین - تربتی - تژده - توکلی - سالارچاف - سیدمحمدجزایری - محمد کاظم جزایری - جندقی - جعفر جوادی - نواز الله جهانشاهی - دکتر چهارزی - جعفر حیدری - خسروی دارانی - دادفر - دانشمند - درودی - ذوالفقاری - رئیسی اردکانی - دکتر رحمانی - رحیم زاده خوئی - رحیمی لاریجانی - رفعتی - زرگرزاده - ساری اصلانی - کریم بخش سعیدی - سعیدی - شریفی - شهبازی - دکتر شیروانی .
- ۲ - بیانات آقای رئیس بمناسبت درگذشت شادروان رضا حکمت (سردار فاخر) و اعلام یک دقیقه سکوت .
 رئیس - همانطوریکه همکاران محترم استحضار دارند با کمال تأسف و تأثر در هفته گذشته کشورما یکی از خدمتگزاران صدیق و صمیمی خود را از دست داد .
 (صحیح است)

شادروان رضا حکمت (سردار فاخر) در طول عمر پرثمر و با ارزش خود در مشاغلی که از آغاز زندگی به عهده داشت با کمال شرافت و عزت نفس در راه خدمت به شاهنشاه آریامهر و ملت ایران وظیفه خود را بنحو شایسته ای انجام داد و در راه اجرای وظایف ملی خویش کوششی خستگی ناپذیر و نمربخش داشت (صحیح است)، آثار نیک و سوابق درخشان آن مرحوم در مجلس شورای ملی شاهد صادقی از سراتب و وطنپرستی، آزادیخواهی و شاهدوستی ایشان است (صحیح است). خدمات ملی و اجتماعی و سیاسی آن شادروان از دوره چهارم مشروطیت که از طرف مردم شهرستان آباد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید آغاز شد.

مرحوم رضا حکمت در دوره های چهارم و پنجم از طرف مردم شهرستان آباد و در ادواز هفتم - هشتم - چهاردهم - پانزدهم - شانزدهم - هیجدهم - نوزدهم و بیستم از طرف مردم شهرستان شیراز به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و از دوره پانزدهم مجلس شورای ملی در پنج دوره قانونگذاری با کفایت و لیاقت سمت ریاست مجلس را عهده دار بود. (صحیح است).

شادروان حکمت بخصوص در دوره های ۱۰ و ۱۱ که کشور ایران روزهای پرتشنج و نا آرامی رامیگذرانید در سمت رئیس مجلس شورای ملی وظیفه بسیار خطیری را عهده داشت که همه شاهد آن بودیم و دیدیم که چگونه با استقامت و بردباری و شایستگی از عهده انجام آن برآمد (صحیح است).

فوت ناگوار آن مرحوم ضایعه ای بزرگ و جبران ناپذیر برای کشور ما بشمار میرود. این ضایعه ناگوار را بعموم بازماندگان آن مرحوم و خاندان حکمت از طرف نمایندگان ملت و خود تسلیت منگونیم و از خداوند تعالی تسلیت دلم که روح پاک این خدمتگزار وطن را در جوار رحمت خود شاد و غریق رحمت فرماید (انشاء الله).

اینک بیاس احترام روح پاک شادروان سردار فاخر حکمت یک دقیقه سکوت در حال قیام اعلام میکنم. (همه حضار بپا خاستند و در حال قیام یک دقیقه سکوت کردند)

۳ - **بیانات قبل از دستور آقایان: ادیب مجلسی - دکتر لیاقتی - دکتر تجدد - دکتر فرزاد امیری - تیمسار سرلشکر ایلخانی - آستانه ای.**

رئیس - نطق های قبل از دستور را شروع میکنیم آقای ادیب مجلسی تشریف بیاورید.

ادیب مجلسی - جناب آقای رئیس - همکاران محترم - خانمها - آقایان در آغاز سخن ابتدا بمناسبت مراجعت اعلیحضرتین از نظر موفقیت آمیز امر بیکو و فرانسه به میون بدینوسیله سیاسی بیکران ملت ایران را بخاطر تلاش های ارزنده وی بیکر رهبر محبوب و عالیقدر ملت به پیشگاه مبارک شاهنشاه معظم تقدیم و از خداوند منان توفیق هرچه بیشتر معظم له را در به ثمر رساندن نیات و افکار بلندشان که همگی در راه اعتلای نام ایران و ایرانی است صمیمانه آرزو میکنیم (احسن) و رجاء و اتق داریم که مردم شریف و شاهدوست ایران بادرک کامل نیات شاهنشاه بیش از پیش در اجرای فرامین رهبر بزرگ انقلاب کوشا و ساعی خواهند بود. (صحیح است)

اما مطلبی که امروز بحکم وظیفه مقدس نمایندگی خواستم در اینجا عنوان کنم اینست که در عصر انقلاب شاه و ملت یکی از گروه های بزرگ اجتماعی ما که بموجب احکام انقلاب، بمنظور رفع مشکلات جاری، خود حاکم بر سر نوشت خویش گردید جامعه شریف و کثیرالعضو اصناف بود که بموجب قانون مترقی نظام صنفی با ایجاد اتاقهای اصناف که در حقیقت خانه اصناف و پیشه وران بود، این نیروی عظیم اقتصادی شکل گرفت، لکن چون این سازمانها قانونی نداشتند و از طرفی با تورم ناگهانی جهانی مواجه گردیدند در ابتدا شاید نتوانستند آنطور که باید و شاید خود را به جامعه امروز بشناسانند، اما کسبه و اصناف شریف ما که بشهادت تاریخ همیشه وطن پرستی و شاهدوستی خود را به ثبوت رسانده اند (صحیح است) و در دوران انقلاب نیز اعتقاد و آمادگی خود را برای اجرای هرچه بهتر اصول انقلاب مقدس ایران ثابت کرده اند، در طول این مدت بتدریج قدسهای مؤثری در اجرای نیات مقدس رهبر ملت ایران برداشتند، بویژه در این یکی دو سال اخیر بر اساس فرامین رهبران کارهای مثبتی بانجام رسیده که اشاره بانها برای آگاهی ملت ایران ضروری بنظر میرسد.

اصولا وظیفه اصلی صاحبان واحدهای صنفی اینست که خدمات و کالاها را بنحو مطلوب در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند - و در طول این مدت مشاهده کردیم که هر زمان توزیع کالائی در اختیار آنان بود با سود عادلانه در اختیار خریداران قرار داده اند - بدیهی است در این رهگذر هرگاه کسانی قصد تجاوز بحقوق مصرف کنندگان را داشته اند از جانب مأمورین و نمایندگان قانونی مورد تعقیب واقع شود و بکیفر رسیده اند ولی باتوجه به نسبت متخلفین در جمع این گروه باید عرض کنم که خوشبختانه

تعداد افراد خارج بسیار ناچیز بوده و این یک امر طبیعی است که در بین هر اجتماعی صحیح العمل و خطا کار وجود دارد ولی بدبختانه در پاره ای موارد، دیگران سعی در بزرگ کردن این امر طبیعی نموده اند اما نکته مهم و قابل توجه در این میان اینست که در امر توزیع باید ابتدا سیاست صحیحی وجود داشته باشد تا بتوان از کسبه و پیشه وران انتظار انجام وظیفه بنحوا حسن داشت، چه در هر زمان که باتلاش و بینگاہ های مسئول، این وظیفه و رسالت بانجام رسیده ملاحظه کرده ایم که چه اثر مطلوبی در نحوه عرضه کالا و شکستن قیمت ها داشته است.

بطور مثال اقداماتی که در سال گذشته و جاری اتاق اصناف پایتخت به همت خود اصناف انجام داده بسیار چشمگیر و مؤثر بوده که همگی در راه رفاه حال اصناف و مردم نقش آفرین بوده است. از آن جمله:

۱- تشکیل صندوق تعاون اصناف که سالها پیش بر اساس احکام قانون نظام صنفی طرح ریزی شده و بعملی عملاً مشغول بکار نشده بود و در سال قبل با ۸ میلیون تومان سرمایه که از طرف خود اصناف پایتخت پرداخت شده بود تشکیل و با دادن وامهای مؤثر به کسبه در رونق دادن به کسب و کار آنان اثر فوق العاده داشته است.

۲- تعیین ساعت شروع و خاتمه کار اصناف باتوجه به طبیعت شغلی آنان و نیاز مردم که از یکطرف در مقابل نارسائی و تنگناهای موجود از قبیل مسئله ترافیک مشکل نیروی برق و آب که همگی شاهد آنها بودیم عملاً در بهبود زندگی اجتماعی مردم پایتخت اثر مستقیم داشت و از سوی دیگر با ایجاد نظم و ضابطه در کار اصناف پایتخت پس از سالها روابط فیما بین خریدار و فروشنده در چهار چوب صحیح قرار گرفت و از همه مهمتر برای رفاه حال صاحبان واحدهای صنفی و عائله آنها فوق العاده نمربخش بود و بنحوی که در بهبود سلامت جسم و روح آنان نقش بسیار ارزنده ای بازی نمود و بالنتیجه این سازمان در ایجاد یک رابطه صحیح اجتماعی پیشقدم شد که اثرات مطلوب آن مشهود است.

۳- ایجاد فروشگاههای پروتوتیپی که هم آهنگ با پیشرفتهای سریع مملکتی و بمنظور جایگزین کردن دکه های غیر اقتصادی به واحدهای بهره ور که نتیجه آن بهبود زندگی کسبه و رفاه حال مصرف کنندگان است و نشان دهنده درک و اجزای نیات مقدس شاهنشاه از طرف جامعه صنفی است و اثر مستقیم در اقتصاد مملکت و رفاه بیشتر جامعه ما دارد و مشاهده کردیم که اصناف آمادگی

خود را برای شرکت در این مؤسسات اعلام و عملاً در در ایجاد آنها مشارکت نمودند و شاهد افتتاح چندین واحد آنها تا کنون بوده ایم چون این مطلب همیشه مطرح بود که فی المثل یک تصاب با چند لاشه گوشت، با داشتن هزینه های پرسنلی، مالیاتی و عوارض و برق و آب و تلفن و غیره بهیچوجه نمیتواند بهره وری کامل داشته باشد تا بتواند نتیجه این بهره وری را بصورت خدمات و عرضه کالای بهتر و ارزاتر بخیریداران منتقل کند، ولی هنگامی که یک واحد صنفی بصورت اقتصادی اداره شود هم نفع صاحبان آن و هم به سود مصرف کننده خواهد بود.

اینست که جامعه اصناف پایتخت با الهام از سیاست های دولت برای ازین بردن این عدم بهره وریها چنین اقداماتی را معمول داشت که با استفاده از امکاناتی که انقلاب مقدس ایران در اختیار آنان گذاشته بود در اجرای هدفهای رهبر عالیقدر ملت، افراد بتوانند، داوطلبانه و آگاهانه در این فضای آزاد رستاخیز از این فرصت ها استفاده نمایند.

۴ - یکی دیگر از اقدامات پرثمر این جامعه که متناسب با آهنگ پیشرفتهای عصر انقلاب بود - و بخاطر تشویق خدمتگزاران ذکر آن در اینجا بسیار ضروری است، حرکت اعضای اتحادیه چهار صنف از اصناف پایتخت یعنی صفوف چاپ، صحاف، ناشر و نوشت افزار فروش بود که با طرحی که اتاق اصناف پایتخت و مسئولین و رؤسای این اتحادیه ها تهیه کردند متعهدانه آمادگی خود را برای چاپ هر تعداد کتب درسی و توزیع آن در سراسر کشور اعلام نمودند و مشاهده کردیم که برخلاف سالهای قبل که نارسائی فراوان در این زمینه وجود داشت و حتی سال گذشته تمامه فروردین سال جاری ادامه یافت و این کمبود از طرف نمایندگان محترم در پشت همین تربیون بکرات عنوان شد و معلمین و خدمتگزاران آموزش و پرورش و اولیاء دانش آموزان از این بابت بشدت ناراحت بودند، در یک فرصت سه ماهه این چهار صنف دامن همت بکمر زدند و زیر نظارت اتاق اصناف و با همکاری دستگاه های آموزشی کشور کار خود را شروع و با اعتقاد کامل به عنایات شاهنشاه، مطابق طرح تنظیمی بدون یک لحظه غفلت و تردید کار چاپ کتب درسی را بانجام رسانیدند و درست در اول مهرماه و آغاز سال تحصیلی حدود ۵ میلیون جلد کتاب درسی که در ۶۰ عنوان از طرف وزارت آموزش و پرورش سفارش داده شده بود طبع و توزیع شد.

اینها نمونه‌هایی از اقدامات اتاق اصناف و جامعه اصناف پایتخت در اجرای نیات عالی رهبر انقلاب بود که جامعه صنفی در اجرای فرمان سپردن کار مردم بدست مردم انجام داده‌واگر در اینجا ذکری از آنها بعمل می‌آید بخاطر آن است که خدمتگزاران تشویق شوند و بداندند که قدمهای مؤثر و مثبت که از طرف جوامع مختلف برداشته می‌شود مورد نظر مردم خواهد بود پس نتیجه می‌گیریم که نیروهای ملی ما در عصر رستاخیز همیشه می‌تواند برای خود و اجتماع خویش مؤثر باشند، از جمله نیروی عظیم اصناف می‌تواند نقش مؤثری در اقتصاد مملکت ایفا کند و اتاق اصناف پایتخت که خانه اصناف است و نمایندگان اصناف در آنجا صادقانه برای ایفای نقشهای سازنده در اقتصاد شهری برنامه ریزی میکنند، شبانه روز خود را صرف این خدمات کرده و خواهند کرد - بدیهی است در هر جامعه‌ای مشکلات و نارسائی‌ها بی وجود دارد که در این مورد تجربه ثابت کرده، اگر هم آهنگی بین دستگاههای صنفی و قطبهای تولید و توزیع و واردات اعم از تولیدات صنفی و کشاورزی وجود داشته باشد، مسلماً دست‌واصله‌ها کوتاه و ارتباط این گروه با قطبهای یاد شده بصورت سالم در خواهد آمد و آنگاه نقش سازنده شرکتیهای تعاونی تهیه و توزیع صنفی که بر اساس نیات مقدس شاهنشاه در تقویت بنیاد های تعاونی بوجود آمده، بویژه در بین صنوفی که کالاها را مصرفی و روزمره مورد نیاز مردم را عرضه میکنند بصورت واقعی ظاهر میگردد، کمالاتی که تعداد زیادی از این تعاونی‌ها که در چند سال اخیر بخصوص سال گذشته با سرمایه های چشم گیر بوجود آمده، سازمانهای صنفی را در اجرای برنامه‌های خود یاری داده‌اند و تنها از طریق این شرکتیهای تعاونی سالم است که میتوان کمک‌های مؤثر از نظر خرید کالا مطابق با نیاز مصرف و توزیع صحیح آن بین واحدهای صنفی و کنترل مؤثر، موجبات رسیدن بموقع کالا بدست مصرف کنندگان را فراهم نمود که تا بحال در چندین مورد نقش حساسی این تعاونی‌ها بهنگام ضرورت معلوم و با اقدامات مؤثر و سریع دیده‌ایم که نتیجه مطلوب حاصل شده و بهترین و سالم‌ترین بازار برای خرید و توزیع کالا بوده است.

آرزو میکنیم کلیه کسانی که در هر لباس و مقامی در راه خدمت مردم ایران و اجرای اهداف مقدس شاهنشاه صمیمانه تلاش میکنند موفق و مؤید باشند - توصیه من به بعضی‌ها اینست که هنگام قضاوت عجول نباشیم و

قبل از بیان مطلب اندیشه کنیم و آنگاه بحرف آوریم و ناروا بر افراد و مقاماتی که به شاهنشاه و مردم خدمت میکنند نثاریم، زیرا آنان نیز مدارک عینی دارند که میتوانند با ارائه آنها تهمت زنده را رسوا کنند ولی چون جامعه ما با هوشیاری تمام خادم راز مغرض و صادق را از کاذب تشخیص میدهد قضاوت در مورد اعمال اشخاص را باین محکمه عالی واگذار میکنیم در خاتمه نظر نمایندگان محترم دولت را نسبت به مسئله مالیات اصناف جلب و با توضیح نارسائی‌ها انتظار اقدامات فوری در رفع آنها را دارم، «با توجه باینکه اصناف و پیشه‌وران که در زیر چتر امنیت نظیر و اقتصاد شکوفای مملکت بکسب و کار مشغولند باشناخت کامل این موهبت‌ها همیشه در پرداخت مالیات حق خود پیشقدم بوده و هستند و ادای این وظیفه ملی را برای ادامه حیات اقتصادی جامعه خود ضروری میدانند» بطوریکه مشاهده شده نارسائی‌ها و اشتباهاتی در گذشته از طرف مأمورین در مورد تشخیص‌های علی‌الرأس صورت گرفته و متأسفانه از نظر قانونی اغلب بصورت قطعی درآمده در حالیکه بعلت عدم تناسب با قدرت مالی مودی قابل وصول نیست و بناچار یک فرد صنفی راز هستی ساقط خواهد کرد، لذا با اعتقاد به حسن نیت وزیر محترم امور اقتصادی و دارائی انتظار دارم در این مورد دستور تحقیق و بررسی کامل صادر و هرگاه صحت آن به ثبوت رسید در رفع آن اقدام و چنانچه نیازی به مجوز قانونی داشته باشد در تهیه و تسلیم آن به قوه قانونگذاری اقدام فرمائید زیرا با عنایات خاص رهبر مملکت به تمامی ملت ایران بویژه این طبقه زحمتکش که از نخستین ساعات بامداد تا پاسی از شب گذشته هر کدام در سنگرهای مختلف با دادن خدمات و سرویس و کالا ب مردم تلاش میکنند هرگاه نسبت به آنها ندانسته تعدی و اجحاف میشود مورد بدست پدر تاجدار ما نخواهد بود - هم‌چنین در مورد تطبیق ضرائب مالیاتی با درصدهای سود صنوف مختلف و نحوه تشخیص‌های علی‌الرأس در باره کسبه جزء که فاقد مدارک هستند و اجرای صحیح قانون با رعایت کامل عدل و انصاف عمل گردد، و چون طبق قانون موجود تشخیص مالیاتهای جدید برای مدت ۶ سال آتی صورت می‌گیرد شایسته است که از هم‌اکنون ترتیبی اتخاذ گردد که با صدور برگهای تشخیص منصفانه هم‌راه برای وصول بهتر مالیات دولت هموار و هم از گرفتاریهای بعدی که آخر الامر به زیان دولت خواهد شد جلوگیری بعمل آید. متشکرم (احسن است)

رئیس - آقای لیوانی فرمائید.

دکتر عبدالسمیع لیوانی - با اجازه مقام معظم ریاست و همکاران ارجمند، خاتمه، آقایان، در شاه دوستی و میهن پرستی ملت نجیب ایران تردید نمیتوان کرد زیرا عشق شاه بر لوحه دل همگان ثبت و نام مقدسش پرزبان همه همواره بعنوان تحسین جاری است. (صحیح است) ما ملت پرافتخار ایران یکبار دیگر مانند همیشه شاهد مسافرت موفقیت آمیز و غیرورانگیر شاهنشاه آریامهر و شهبانوی گرامی خود به کشور آمریکا بوده و هستیم بخود می‌بالیم و با عشق پاک و شور و شوق فراوان فریاد می‌زنیم شاها از سفر بازگشتید قدمهای شما و شهبانوی مهربان روی چشمهای ما باد. (احسن است)

بلی، هر ایرانی واقعی مباحثات میکند که جان خود را در راه مقدس شاه و میهن خویش نثار کند، اگر عده‌ای خائن بی‌وطن در هر سن و از هر جنسی که بخواهند باشند تحت هر عنوان راه خواری و گمراهی در پیش می‌گیرند و بر اثر تحریک و آلت دست قرار گرفتن یا وسررائی میکنند و بمصدق «مه فشانند نور و سگ عمو کنند» از حسادت و لثامت چون سگ هرزه گرد پارس میکنند خیال نکنند که ممکن است اعمال خلاف انسانی آنان کوچکترین اثری در روح ایرانیان اصیل و شاه دوست داشته باشد (صحیح است).

اگر چنین تصویری را در محیله خود راه دهند سخت در اشتباهند زیرا نمیدانند که دیگر با رهبریهای دایمانه و مبتکرانه فرمانده انقلاب در عصر شکوفان رستاخیز مردم شریف و هوشیار ایران جانی را خالی برای جایگزین شدن نیات سوء و اعمال ناجوانمردانه و بی‌وطنانه مشی خائن باقی نخواهند گذاشت، معلوم نیست که با هوچی‌گری و جنجال و هیاهوی نابجا این افراد نادریست و ناشایست چه چیز را میخواهند ثابت کنند، دیگر همه میدانند که سر نخ این عریبه‌نشی‌ها و هرج و مرج طلبی‌ها بدست گروهی از خائنان بی‌وطن قرار دارد تا جانی که جوانان بی‌تجربه ما را تحت عنوان تظاهرات دانشجویی آلت قرار داده به کوچه و بازار گسیل میدارند، بدون شک نام این دسته را دانشجو نمیتوان گذارد زیرا دانش پژوهی خود عامل بالا بردن سطح شعور و درک و تشخیص میگردد نه اینکه موجب گمراهی و کجروی بشود، (صحیح است) بهرحال آنچه مسلم است دیر یا زود این انگلهای مزاحم اجتماع و این میکروبیهای وارداتی از جانب یگانگیان از ساحت مقدس کشور با رخت بریسته و ریشه کن خواهد شد.

از این مقال بگذریم و سری به طبقه کشاورز کشور

خود بزنیم و سخن از طلای سفید ایران یعنی پنبه بمان آوریم، این روزها بازار پنبه داغ نیست ولی گفتار پنبه خیلی داغ است و کشتکاران پنبه با ناله واه هم‌آغوش هستند زیرا محصول پنبه در سال جاری نه تنها برای کشاورزان سودی را همراه ندارد بلکه با زیان مواجه هستند، حالا فکر کنید که چطور میتوان تصورش را کرد که یک کشاورز زمین زراعتی خود را که تنها سرمایه زندگی اوست کشت کند و در انتظار رسیدن محصول و جمع‌آوری آن روز شماری نماید تا شاید با بدست آمدن حاصل این زحمت مشکلات زندگی‌اش مرتفع گردیده به حیات آبرومندانه ادامه دهد ولی بهنگام چیدن محصول به قیمتی برخود کند که سیرایش سودی نداشته باشد، آیا با چنین وضعی کشاورز بکار خود ادامه میدهد، آیا دست از کار کشاورزی نمیکشد، بدون شک جوابش آنست که کشاورز زحمتکش نمیتواند بیش از این زیر بار بدهکاری و عدم حمایت از سوی مسئولان امر کشاورزی باقی بماند او و خانواده‌اش میخواهند زنده بمانند، او میخواهد زن و فرزندانش با آبرومندی زندگی را بگذرانند ناچار بیش از این تن به آشفته‌گی و پریشانی نخواهد داد و خواه ناخواه ترک روستای خود نموده بسوی شهر برای بدست آوردن کار دیگر مهاجرت میکند،

بیانیم بدنبال علت بگردیم و به بینیم دلیل این بی‌سامانی کشاورزان چیست؟ وجه عامل یا چه دستگاهی مسئول بی‌آوردن چنین وضع نااستناب میباشد آیا چیزی جز بی‌سیاستی و عدم توجه و عدم حمایت وزارت کشاورزی و تعاون و روستای پیشین که اکنون بنام وزارت کشاورزی و عمران روستائی پس از ادغام دو وزارتخانه نام گرفته است و همچنین بی‌توجهی بانک تعاون کشاورزی ممکن است باشد؟ دو دواول پرافتخار انقلاب که دهقان و روستائی صاحب زمین کشاورزی شده و جهش و پیشرفت بچشم می‌خورد دیگر چه معنی دارد این کشاورز صاحب زمین از پای بیفتد حالا زمانی است که هر چه زودتر وجدتی‌تر برای نجات کشاورز و کشاورزی کشور باید بشتاییم و از سهل انگاریهای گذشته درس بگیریم و با سیاست درست دست کشاورز را گرفته نگذاریم بخصوص کشاورزان پنبه‌کار بر اثر دلسر شدن از کشت پنبه این طلای سفید سرباز زنده، ناگفته نماند بهمین منظور در روزهای پانزدهم و شانزدهم و هفدهم آبان ماه سمیناری از طرف دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران آقای دکتر باهری بنام سمینار پنبه در شهرستان گرگان برپا شد خود اینجانب وعده‌ای دیگر از همکاران استان

مازندران در مجلس شورای ملی و عده‌ای صاحب نظر و کارخانه‌دار و صادر کننده بنه و گروهی کشاورز در این سمینار حضور داشتند جناب استاندار مازندران و تیمسار سرلشکر مزین نماینده مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریانه‌ر از حاضرین در سمینار بودند ریاست سمینار بعهده آقای مهندس میرحیدر معاون سابق وزارت کشاورزی بود و بنده نیز معاونت سمینار و عهده‌داری اداره جلسه را و تالیف داشتیم، صاحب نظران و دست اندر کاران آنچه لازم بود گفتند و راهی نشان دادند و پیشنهادها کردند از مجموع نظرات ابراز شده قطعنامه‌ای تنظیم شد در ۱۸ ماده (دکتر ملک منصور اسفندیاری - نتیجه چه شد؟) عرض میکنم که جنبه مسکن داشت در صورتیکه اگر بایند خدا اقدام شود و تا حدودی جامعه عمل ببودد ممکن است دردی از ده‌های کشاورزان دوا شود، باز جای شکرش باقی است و باید از دیر کل حزب رستاخیز که به پیروی از منویات شاهنشاه آریانه‌ر چنین اقدامی نموده و این قدم مؤثر را که از نظر مردم منطقه گرگان و گنبد کاووس تسکین دهنده بوده برداشته است سپاسگزاری نمود، اما بایستی فورسول و حرف را کنار گذاشت و به عمل جدی پرداخت در سال گذشته نرخ بنه در معاملات حدود بوطی هفتصد ریال رسیده بود البته بنه‌دوش و منظور از بوط تقریباً ۶ کیلوگرم است، کشاورز بنه کار روی آن حساب با اشتیاق فراوان ضمن برخورد با کرانی مزد کارگر و کرانی سم و اجرت سمبانی و عوامل ناهموار دیگر به این خیال که میتواند به قیمت و نرخ سال قبل محصول خود را بی‌آزار عرضه کند در گسترش میزان تولید و محصول همت گذاشت و شاید دارو ندار خودش را فدا کرد متأسفانه در سال جاری بر اثر نوسانات بازار بین‌المللی سقوط قیمت بنه به بازار نامطلوب محصول خود مواجه گردید بطوریکه دست‌ودلش برای جمع‌آوری محصول بکار نمی‌آفتاد و حال آنکه مبیایستی بنه‌ها یکی جمع‌آوری شده باشد هنوز بنه‌های خود را نتوانست بیچند البته هوای نامساعد و نبودن کارگر هم از علت‌تعلل محسوب میگردد، آنچه در این مورد ما را وامیدارد که بفکر گشودن گره از مشکل کشاورزان بیقیمت آنست که طبق نظر خواهی از کشاورزان روستاهای مختلف گرگان و دشت مخصوص کشاورزان کردکوی - بندر شاه - بندرگز اعم از کشتکاران بزرگ یا کوچک بعمل آمده با حساب دقیق و عادلانه معلوم شد که قیمت بنه جمع‌آوری شده برای کشاورز بین بوطی پانصد ریال تا پانصد و پنجاه ریال تمام تمام میشود و حال آنکه قیمت بازار از این قیمت تمام شد

باین تر است یعنی کشاورز حاصل زحمتش یک مقدار زیان میباشد واقعاً تأسفانگیز و تأثیر آور است لاف‌تل تا دیر نشده و تا خانواده بیگناه کشاورزان از پای در نیامدند فکری بحال آنان بکنیم در سال جاری سیاسی خاص و فوری و برای سالهای بعد سیاسی عمیق با کمک دولت از طریق حمایت‌های درست مانند در اختیار گذاشتن بذر و کود و سم با قیمت‌های بسیار متناسب در اختیار کشاورزان و توصیه به بانک تعاون کشاورزی از لحاظ پرداخت وام با سود ناچیز و تشکیل شرکتها و صندوقهای تعاونی.

ولی در سال جاری مسئله فوریت دارد. بیماران اجتماع ما یعنی کشاورزان زیان دیده نیاز به مساعدت و دستگیری دارند، آنهم فعلاً راهی ندارد مگر قیمت بنه تصفیه شده را که جهت مصرف کارخانجات داخلی اختصاص میدهند با بهائی بهتر حداقل کیلویی ۱۰ ریال بیشتر منظور نمایند تا از این بابت بر بیهای بنه و ش کیلویی ۴ الی ۵۰۰ ریال افزوده شود که کشاورز بنه کار زیان نبیند حالا دولت خودش عامل خرید میشود و یا به خریداران کارخانه‌دار و یا صادراتچی و یا مؤسسات دیگر توصیه مینماید فرقی ندارد بهر حال تا سهراب از دنیا نرفته باید نوش دارو را باو رسانید و خورائید، در مورد راه حل سریع بایستی به یک حساب دقیق توجه نمود و آن اینست که بفرض محصول سالیه بنه کشور ۲۰۰۰۰ تن باشد که بدون شک نیمی از آن صادر میشود و نیمی دیگر بمصرف کارخانجات داخلی میرسد حال اگر صادر کنندگان درباره قیمت حرثی داشته باشند بطوریکه سال گذشته تا ۱۳۰۰ ریال هر کیلویی بفروشن سیرفت و امسال حدود ۹۰۰ ریال قیمت گذاری کرده‌اند چه مانعی دارد وزارت بازرگانی قرار بگذارد کیلویی ۱۰ ریال بنه بیشتر خریداری شود و صادر کنند، اگر درقبال این کیلویی ۱۰ ریال ضرری دید خسارت را دولت متقبل شود در اینصورت بنه و ش کیلویی ۴ الی ۵۰۰ ریال بیشتر از دست کشاورز خرید خواهد شد و خود برای کشاورز حیات بخش میباشد و حال آنکه دویست هزار تن یعنی دویست میلیون کیلو و یکصد میلیون کیلوی آن مخصوص صادرات است فقط یکصد میلیون تومان لازم دارد تا ترتیب گفته شده انجام گیرد و باین سیاست بیش از پنجاه هزار کشاورز و خانواده اش زنده خواهند ماند و آنوقت میتوان نام اینکار را حمایت از کشاورزی و کشاورز گذاشت.

مسئلاً چنین رقمی از نظر بودجه مملکتی و در مقابل حمایت‌های دیگری که برای رفاه مردم کشور از جانب دولت بخصوص وزارت بازرگانی در راه خریدشکر و ارزاق

عمومی پرداخت میشود ناچیز میباشد در حقیقت مثلاً اینست که ما برای خانواده هر کشاورز فقط ۲ هزار تومان بعنوان حمایت از این طبقه پرداخته باشیم، ملاحظه خواهید فرمود که چگونه با رقمی نه چندان مهم چه خدمت مهمی در راه تشویق واحیاء کشاورزی برداشته میشود، توصیه دیگر من آنست که اگر بشود در مناطق کشاورزی هنگام برداشت محصول از وجود سپاهیان و محصلین مدارس کشاورزی بمانند خدمت عالی که اردوی عمران ملی در تابستان انجام میدهد استفاده کنیم دیگر مسأله کمبود کارگر یا پرداخت مزد سرسام‌آور به کارگر مطرح نخواهد بود. امیدوارم از این نوع گامها در آینده برداشته شود تا کشاورزی، بخصوص کشاورزی بنه (طلای سفید) پا برجا و بهتر از پیش باقی بماند (احسنت). بقیه وقت را به آقای دکتر تجدید میدهم رئیس - آقای دکتر تجدید بفرمائید.

دکتر حسین تجدید - جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند.

نخست از جناب آقای دکتر لیوانی همکار گرامی که دقیقه از وقت خودشانرا بمن دادند تشکر میکنم اگر سؤال کنند که مهمترین مشکل جامعه ایرانی چیست ممکن است اکثراً بگویند مشکل زمین و مسکن یا مشکل ترافیک یا مشکلات روستاها و از این قبیل ولی من میگویم مهمترین مشکل جامعه ایرانی شیوع روزافزون اعتیاد مواد مخدر است (صحیح است) بدون تردید زمانی مشکل مسکن ویا ترافیک ویا مشکلات روستاها حل خواهند شد ولی اعتیاد مواد مخدر آرام‌آرام ریشه‌های حیات ملت ما را میسوزاند و نابود میکند و زندگی و آینده جوانان ما را تها میسازد. (صحیح است)

ظاهراً ما مسئله را خیلی حاد نمی‌بینیم ولی، در واقع هیچ خطری بالاتر از این خطر جامعه ما را تهدید نمیکند. این خطر بالاتر از تهدید نظامی، بالاتر از تهدید اقتصادی و بالاتر از هر نوع بیماری مسری و همه‌گراست چون اعتبار بیکاری و درماندگی، بی‌تفاوتی و بی‌اامیدی و هرگونه انحطاط اخلاقی و فساد اجتماعی را بدنبال دارد. چند روز قبل در روزنامه‌ها خواندیم که در سال جاری ۵ هزار کیلو تریاک و هروئین و حشیش کشف شده است، هر روز در روزنامه‌ها خبر کشف مقادیر زیادی مواد مخدر را میخوانیم و از توسعه روزافزون اعتیاد بین جوانان کشورمان خبرها میشوند بطور قطع مقدار مواد مخدری که در سال جاری کشف و رسماً اعلام نشده یک‌صدم مقدار مواد مخدری که در کشور توزیع و مصرف میشود نمی‌باشد بهنگام

بحث در برنامه دولت جناب آقای دکتر آموزگار عرض کردم شرط اصلی برای مبارزه با اعتیاد مواد مخدر در دسترس نبودن مواد مخدر است. در حالیکه مردم میتوانند مواد مخدر را مثل نقل و نبات در همه جا بدست آورند چگونه میتوان با اعتیاد مبارزه کرد. بیشتر اشخاصی که بوسیله کوپن تریاک را از دولت دریافت میکنند آنها را بین مردم و بخصوص جوانها توزیع مینمایند.

میباید کشت خشخاش مجدداً در مملکت منع شود و از ورود مواد مخدر بکشور با شدت جلوگیری گردد (صحیح است) خوشبختانه مارتش و ژاندارمری نیرومندی داریم که به مدرن‌ترین سلاحها مجهز هستند و لازم است از امکانات آنها برای مبارزه با قاچاق و کنترل مرزها استفاده کنیم.

امکانات وزارت بهداشتی و بهداشتی هم برای درمان معتادین خیلی محدود است و بهیچ عنوان جوابگوی گروه عظیم معتادین که خواستار ترک اعتیاد هستند نمی‌باشد. درمان معتادین هم کار آسانی نیست و ما میبایدا تمام توان خود از معتاد نشدن جوانان جلوگیری کنیم. فردیکه معتاد میشود نسبت به ماده مخدر دوزخ و وابستگی پیدا میکند یکی وابستگی جمعی و دیگر وابستگی روانی. هنگامیکه ماده مخدر به معتاد نرسد عوارض گوناگون جسمی بروز میکند که میتوانیم این عوارض را با جان‌نشین ساختن موادی از قبیل متادون که در کشور ما برای ترک اعتیاد مرسوم است برطرف سازیم و معمولاً بعد از دو هفته میتوان معتاد را ترک داد و عوارض جسمی او را برطرف ساخت ولی وابستگی روانی به ماده مخدر تا مدت‌ها باقی میماند و در این حالت معتاد همواره در جستجوی گمشده ایست و دچار عدم تعادل روانی میباشد برای معالجه بتوان بخشی و معالجات روانی احتیاج دارد و اینکار وقت و امکانات زیادی میخواهد بهر حال مدت‌هاست که زنگ خطر اعتیاد در کشور ما بصیراً درآمده است. کشوری که میخواهد بسمت دروازه‌های تمدن بزرگ پیش رود نباید با منقل و وافر و بسته‌های هروئین سروکار داشته باشد اعتیاد مغزهای خلاق جوانان ما را منجمد میسازد و بازوان توانای آنها را ناتوان میکند اگر امروز برای ریشه کن ساختن اعتیاد در کشور خود اقدام نکنیم فردا دیر خواهد بود. (احسنت).

رئیس - آقای دکتر فرزان امیری بفرمائید، دکتر فرزان امیری - بنام خدا و بنام خردمند رهبر ایران زمین شاهنشاه آریانه‌ر، جناب آقای رئیس همکاران محترم، خانمها، آقایان، آن سفر کردگان که دل‌های ملی

همریشان بود با ره‌آوردی پربار بسرمین ایران باز آمدند مقدسشان مبارک که قدم بردیده و دل‌های مردمی گذاشتند که دیده‌براهشان داشتند و دل در انتظار (احسن) و بر این انتظار دقیقه شماری میکردند و مباحی از آنیم که ملت و دولت های میزبان آنچه را که شایسته شاه‌بانوی شاه بود معمول داشتند و این حقیقت را که رهبر ایران دردنیای امروز رهبری دانا و توانا و مؤثر در سیاست بین‌المللی هستند با بیانی آشکار بیان داشتند که این خود مشت محکمی بود بر دهن یاوه سرایانی که چوب بدست و ماسک بر صورت در لباس بیگانه و بنام ایرانی بر علیه تمامیت ملت ایران تظاهرات براه انداختند (صحیح است) میدانید چرا ماسک بر صورت داشتند؟ بدین سبب که خود از کرده خود شرم داشتند و بیم آن بود که عیان شود ایرانی نیستند و کارشان حقیقت ندارد زیرا اگر حقیقتی در کارشان بود چرا حقیقت را بیزیر ماسک بردند (احسن) این خود مؤید عدم حقیقت است لذا من مطلبی در این زمینه ندارم که بدان بفرمایم ولی افتخار دارم از پشت این تریبون که زبان گویای ملت ایران است و بلندگوی احساس شان احساسات مردم استان کرمان را که در فاصله بین دو تشریف فرمائی شهبانوی والامقام بدین خطه زرخیز بر زبان جاری شده برشته تحریر درآمده و زینت این صفحات گشته بیان کنم تا بگویم راز پیوند ناگسستنی شاه و مردم در چه نهفته است و ایرانی کیست ایرانی اینست که آشکارا این میگوید و بیگانه آنست که در زیر ماسک آن گوید «سیاس شهبانوی گرامی، سیاس تورا که، هوای شهرما از عطر نفس‌های مشک نیز است و هر کجا که بنگری از صفای قدمت طراوت خیز است. سیاس تورا که، بنده گرامی یزدانی و به حق که شاه بانوی زمانی، همواره میان مردمانی و بسیار با آنان مهربانی. سیاس تورا که فرشته رحمتی و آیت مرحمتی، مرهم به دل غمین بیمارانی و شریک شادی کودکانی.

صدای گام‌های استوارت دلنشین‌ترین آهنگ زمانه است و کلام مهربانت همچون سرودی جاودانه است. تو با قدرتی شگفت در کوره راه‌های ایران گام میزنی و برای رسیدن به افتخارات گذشته قید نام میزنی.

سیاس تورا، که با نفع‌های سیع‌حایت بر بیکر کرمان جان دادی و شهری و ده‌نشین را، سامان دادی.

سیاس شهبانوی مهربان، ای که آغوش پناه بی پناهان است و دست محبت همواره بر سر آنان است، کسانی که پریشان میشوند با کلام مهربانت قرار می‌یابند و آنها که تنها میمانند در خانه‌های دوستی و محبت

آرام می‌گیرند.

تو کودک‌کان بی‌سرپرست را سامان دادی، به بهزیستی و آموزش آنان در سراسر استان فرمان دادی، آری، توبه زندگی، به جان‌شان، جان دادی و آنان، هرگاه که بدرگاه خدا نیایش کنند، از ته دل ترا ستایش کنند.

سیاس شهبانو، آن سال که به کرمان آمدی، دوری راه را به جان خریدی روستاهای کرمان را در نوردیدی، درد دل روستائیان شنیدی وضع عشایر را از نزدیک دیدی پس به اندیشه رفاهشان اوفتادی، به آموزش آنان فرمان دادی همه را با توشه‌ای که دادی به کار واداشتی و زنگ غم دوران از دل‌هایشان برداشتی، بدان که امروز بیش از پیش ترا «چاکرند» و از اینهمه موهبت که بآنها داده‌ای خدای را شاکرند»

این‌را عرض کنم، نخستین باری که شهبانوی کرمان تشریف فرما شدند ضمن ابراز احساسات مردم که دست میزدند و هورا می‌کشیدند یک زن عشایری از میان جمعیت با صدای بلند میگوید، شهبانو چاکرتم، و علیا حضرت شهبانو در مصاحبه مطبوعاتی به این مطلب اشاره میفرمایند که این صادقانه‌ترین و بی‌ریاترین جمله و شعاری بود که تا بحال شنیده‌ام.

سیاس شهبانوی گرامی، خداوند روشتر کند خانه پرفروغ دلت را که روشن کردی خانه‌های مردم و وطن‌ت را، هم‌دراندیشه کودک‌کان شهرما بودی وهم بفکر مادران وهم بیاد مسافران. سیاس شهبانو، در نهاد پاکیزه ات شوق خدمت میجوید، در دل پرشورت اندیشه محبت میخروشد، با اندک تأملی نیاز ورزشکاران را شناختی و با فرمان خود برایشان ورزشگاه ساختی و به پرورش استعدادشان پرداختی سیاس شهبانوی گرامی، که فرمودی زنان باید همراه با زمان پیش روند و چون فراغ خاطر نداشتند، فرمودی، برای کودک‌کان آنان فکر جا کنند و مهدهای کودک بنا کنند.

سیاس ترا، که نه تنها نیکوکاری، بلکه امید مردم نیکو کرداری، به بنیاد فرهنگی ارشام قدم بگذاشتی و بنیانگزارانش را به شوق خدمت واداشتی، بنیاد از یمند دوست قوام یافت و یاد دیدارت در آنجا دوام یافت.

در آن سالهای نه‌چندان دور، با سری از عشق وطن پرشور، سرزمین پهناور کرمان را در نور دیدی و به قلب تاریخ برسیدی، تعمیر راهها و نوسازی آثار باستانی را لازم دیدی، پس آبادان شد فرسنگ‌ها راه در استان و احیاء شد بسیاری از آثار باستان.

سیاس شهبانو، از آنجا که میدانی، اقتصاد کشور بدست

کارگران جان میگیرد و مملکت از اقتصاد توان میگیرد، وقتی وضع کارگران را دریافتی، به رفیع نیازهایشان پرداختی پس کارگر قالی باف در کارگاههای بهداشتی جان یافت و قالی‌گربان را نقش تازه پرداخت، مرکز رفاهش وسیعتر شد و پیشرفتش سریعتر سیاس شهبانوی گرامی، تو فرمودی، تا جوانان به زیور علم و عمل درآیند و در کنار کاشان، بنا کنند کاشانه‌شان را و نیز کتابخانه‌شان را وضع خوش نشینان را نیک دریافتی، و به آنان خوب پرداختی، فرمان تو از ویرانه‌های زشت برآمدند و به خانه‌های زیبا درآمدند، به آنان آب رساندی، نه آب آشامیدن، بلکه آب حیات بکامشان فشاندی در آن زمان که به فکر زندگان بودی، از اندیشه مردگان نیاودی و فرمودی، تا برای ششوشان خانه بسازند و برای آخرتشان کاشانه بسازند.

شهبانوی گرامی، چه گوئیم؟ که زبانها از گفتن سیاس ناتوان است پس بر دیده‌ها بنگر، که پراز سیاس بیکران است، بشنو، که همه جا فریاد زنده‌باد شاه است. بیا که چشم همه مردم به راه است.

بیا که «زرند» ثروت خیر برآواز است، عشیره «حیرت» از شادی در پرواز است، «سرچشمه» «رفسنجان» امروز دیگر سرمایه‌ساز است و کرمانی به دیگران بی‌نیاز است.

اما تو بیا، که هنوز او را به محبت تو نیاز است، در امیدش به روی تو باز است و هردیدارت برایش یک سر آغاز است تو بیا، تو بیا، که هردیدارت برایش یک سر آغاز است - مردم استان کرمان در مقابل شهبانوی نیکو کار سر تعظیم فرود می‌آورد که در پشت تریبون فرمودند من از بنیانگزاران

بنیاد ارشام تشکر میکنم و همچنین از مردم شریف کرمان بمناسبت ابراز احساسات بی‌شائبه‌شان متشکرم که این فرموده شد افتخاریست بر آن بنیانگزاران و مردم استان کرمان که بجای خود خواهد ماند و من این کتاب را که ترجمان عواطف مردم کرمان است بساحت مقدس مجلس شورای ملی تقدیم میدارم که بعنوان ودیعه برای نسلهای آینده بیادگار بماند (احسن).

رئیس - تیمسار ایلخانی بفرمائید.

تیمسار سرلشکر اسدالله ایلخانی - جناب آقای رئیس و همکاران عزیز و محترم.

روز پنجشنبه ۲۶ آبان‌ماه بمناسبت روز سال‌بنیانگذاری ارتش نوین ایران، بنا بدعوت تیمسار سپهبد بدره‌ای فرمانده گارد شاهنشاهی، نمایندگان محترم مجلسین سن و شورای ملی جهت بازدید از یکانهای گارد شاهنشاهی به

استاد فرماندهی در لویزان عزیمت نمودیم، در محل با استقبال بسیار گرم و محبت‌آمیز فرمانده و معاونین و سایر امرا و فرماندهان مختلف این واحد بزرگ افتخارآمیز نظامی روبرو شدیم.

در این بازدید مهم و ارزنده آنچه دیدیم و شنیدیم، بخصوص صمیمیت، جدیت، ایمان و روح عالی سلحشوری کلیه افراد گارد برای ما غرورآمیز بود. (صحیح است) در این یکان نظامی همان نظم و ترتیب سرعت و دقت و پیشرفت عالی در کار و تکمیل وسایل و تجهیزات را مشاهده نمودیم. که نمایندگان مجلسین خود را در ارتشی دیدند که از هر لحاظ با ارتشهای مترقی‌ترین ممالک جهان برابری داشت و بچشم نمونه‌های بارز و بزرگی را مشاهده نمودند که مربوط به رسیدن به تمدن بزرگی میباشد که پادشاه خردمند و شجاع ایران زمین

کراراً وعده رسیدن سریع به آنرا ابلاغ میفرمایند و مثل اینکه ارتش شاهنشاهی ایران در این رستخیز بزرگ پیشی گرفته است. (صحیح است).

نمایندگان مجلسین با شادی و غرور بسیار از مشاهده این پیشرفت بزرگ، نظامی تحت فرماندهی شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران سلامتی و خوشبختی رهبر بزرگ انقلاب شاهنشاه آریامهر را از خدای بزرگ مسئلت نمودند.

اجازه میخواهم از طرف همکاران عزیز، در این مکان مقدس از تیمسار سپهبد بدره‌ای فرمانده مدبر ولایت و معاون و سایر امرا و فرماندهان و بطور کلی کلیه افسران و درجه‌داران و افراد جانباز گارد شاهنشاهی قدردانی و سپاسگزاری نمایم. (احسن)

از خدای بزرگ میخواهم که چنان توفیق خدمتگزاری باین افراد بمرحمت فرماید که این جانبازان در انجام وظایف مهم خود نسبت بشاهنشاه مفخم آریامهر و خاندان جلیل سلطنت و مینهن عزیز همیشه موفق و منصور باشند. (انشاءالله).

سردار نامی ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای نجات این سرزمین، زمانی بیا خاست که از ایران و حکومت ایران فقط نامی وجود داشت.

برای اینکه در مرحله یکم مملکت را از هرج و مرج و متوک‌لظوائفی نجات بخشند در روز ۲۶ آبان‌ماه سال ۱۳۰۴ شاهنشاهی امر به تشکیل ارتش فرمودند و با ادغام چند یکان قزاق و ژاندارمری هسته اصلی ارتش بوجود آمد و متعاقب آن امریه تأسیس دبیرستان نظام، دانشکده افسری و سایر آموزشگاه‌های نظامی فرمودند و

به تدریج نیروی هوایی و دریایی و کارخانجات افزار سازی که همان سازمان صنایع نظامی است، که امروز مجیز به مدرن ترین کارخانجات دنیا میباشد فرمودند .

پس قانون نظام وظیفه عمومی بمرحله اجراء درآمد. با تشکیل چنین ارتشی ودر اثر پشتکار واز خود گذشتگی و کوشش شبانه روزی ودر سایه اراده قوی و افکار بلند اعلیحضرت رضاشاه کبیر دیری نپائید، که بساط ملوک الطوائفی و خان خانی در کشور برچیده شود دست بیگانگان وعمال یاشی و آشوبگران کوتاه گردید.

پس از برقراری امنیت در سراسر کشور بسا تدوین برنامه های اساسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، ایران قدم در راه پیشرفت و ترقی گذاشت و ارتش نوین ایران هم گام با پیشرفت سایر امور و اقدامات اساسی مملکت تا سال ۲۰۰۰ شاهنشاهی مراحل ترقی و تکامل را با سرعت زائد الوصفی پیمود و در پیشرفت هدفهای ملی سهم عمده ای را ایفاء نمود.

متأسفانه در جنگ جهانی دوم این کشور در عین بی طرفی مورد هجوم ناجوانمردانه بیگانگان قرار گرفت و تمام کوششهای انجام شده جهت ترقی و عظمت کشور بهدر رفت و شیرازه امور درهم ریخت و آنچه سردار بزرگ نصیب کشور و مردم نموده بوده از هم باشتید.

دراغاز شاهنشاهی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران قبل از هر اقدام دوباره سازی و تقویت زیربنای ارتش مورد توجه ذات مبارک شاهانه قرار گرفت، با تقویت ارتش امنیت کامل برقرار و اصلاحات دامنهدار و اساسی شروع گردید .

انقلاب شاه و مردم تحقق یافت، حزب رستاخیز ملت ایران تشکیل گردید.

در وضع حاضر ملت ایران متحد و یک پارچه گوش فرمان رهبر بزرگ و باتدبیر و شجاع انقلاب برای اعتلا و ترقی کشور در همه زمینه ها، اجتماعی، فرهنگی ، صنعتی، کشاورزی و غیره با توجه و در نظر گرفتن کامل فرامین مقدس نوزده گانه با گامهای سریعی به دروازه های تمدن بزرگ نزدیک میشود . (صحیح است)

ارتش شاهنشاهی ایران تحت فرماندهی ورهبریهای خردمندانه پدر تاجدار بدرجه ای از قدرت و نیرومندی رسیده است که ضمن حفظ دست آوردهای انقلاب و منافع مملکت بایستی از سیاست مستقل ملی ایران پاسداری نموده و مسئولیت حفظ صلح و ثبات و امنیت در این منطقه حساس را نیز بعهده بگیرد.

ما نمایندگان مجلس شورای ملی به وجود چنین ارتش قدرتمندی افتخار میکنیم ، ضمن سیاست از خودگذشتگی بینانگزار ارتش نوین درودهای بی پایان خود را برون تابناک اعلیحضرت رضا شاه کبیر نثار کرده و تندرستی و پیروز بختی شاهنشاه مقمخ آریامهر بزرگ ارتشتاران رهبر عالیقدر ملت ایران وعلیحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران ووالاحضرت همایون ولایتعهد را از خدای بزرگ خواهیم . (احسنست)

رئیس - آقای آستانه ای بفرمائید.

آستانه ای - با اجازه مقام ریاست و همکاران محترم و امرای محترم دولت شاهنشاهی ، در عمر ملتها هزاران سال اندک است و یک لحظه بسیار . هفته ای که بر ملت ایران گذشت هفته فوق العاده با ارزش است که ما نباید بیحوصلت از آن بگذریم ، یکی مسافرت شاهنشاه است که برای ملت ایران سرنوشته ساز است امیدواریم که شاهنشاه بزرگ همیشه موفق باشند که توفیق ایشان توفیق ملت ایران است (صحیح است) و دعای ملت شاهنشاهی توفیق و موفقیت شاه بزرگ است (احسنست) مسئله دیگر مربوط می شود به هفته کتاب از همکاران فرهنگی که تشریف دارند استدعای کنم عنایت فرمایند سال قبل راجع به کتاب از پشت همین تریبون سخنانی گفته شد و من آرزو مند بودم بمناسبت هفته کتاب جناب وزیر فرهنگ و هنر با مجلسیان تشبیه داشتند و نتیجه کار خود را به اطلاع مجلسیان می رسانیدند . اداره رادیو و تلویزیون مدام راجع به کتاب و کتابخانه و خریدن کتاب مصاحبه می کند و تبلیغ می کند و باید هم بکند آن چیزیکه حق ملت ایران است بان متأسفانه بی اعتنا هستیم همه ما نگرانیم و فریاد می کشیم که دانشجویان ما را در خارج از کشور می فریبند و در داخل کشور آنها را منحرف می کنند عده ای هستند که با نقشه معین در کار تخریب افکار نوجوانان ما هستند ، ما در مقابل آنها فقط بکتاب درسی اکتفا می کنیم و حال آنکه دولت حتماً باید بودجه ای تعیین کند ، ده میلیون ، بیست میلیون تومان حتی اگر به دو بیست میلیون تومان هم برسد اشکالی ندارد . کتابهای میهنی و کتابهای اخلاقی مفید به حال جامعه و جوانان و شایسته اجتماع را چاپ کنند و چون با کلمه رایگان اصولاً مخالفم معتقدم که دولت مخارج آنرا دولت از صندوق عمومی بپردازد و یک سوم را هم کتابفروشها عهده داریشوند تا مردم و جوانان و نوجوانان بتوانند کتابهای خوب و ارزان قیمت بخرند ، یکی از کتابهای خوبی که الان چاپ شده سفرنامه اعلیحضرت

رضاشاه کبیر است به مازندران که قیمت آن ۲۰۰ تومان است ، آیا شما فکر می کنید نوجوانان می توانند ۲۰۰ تومان بدهند و این کتابها را بخرند و بخوانند ، اینها را برای کمی چاپ کرده اند آنها نیکه وقت باین امور هستند باید این مسائل را در نظر بگیرند ، ما باید افکار نوجوانان را دریابیم که افکار آنها مزرعه و نمو افکار بلید خارجیان نباشد (احسنست) من تکرار می کنم واصرار میورزم به معاون محترم وزارت فرهنگ و هنر کسه این مساله را در برنامه کار خودشان بگنجانند که حتماً دولت ایران مقداری از هزینه چاپ کتابهای میهنی و مفید را بپردازد و آنها را به بهای ارزان و تقریباً رایگان در اختیار نوجوانان بگذارد . یک موضوع دیگری که باید اشاره کنم و در واقع کمبودی است که جوانان ما دارند این است که ابدأ عادت به کتاب خواندن ندارند: عادت به کتاب خواندن را ما باید مثل عادت به ورزش کردن در آنها بوجود بیاوریم . (صحیح است) از چه راه ؟ از راهی که کتابهای ارزان قیمت در اختیارشان قرار بدیم چون کتابهای جلدی ۹ تومان و صد تومان خریدن بایشان عملی نیست باید این کتابها با قیمتی در حدود ۲ و ۳ تومان بدست نوجوانان برسد، تا سفردار که جوانی دانشجو بمن میگوید خاندان صفویه نژاداً از خاندان ترکان مغول هستند و آنها ایرانی نبودند و تعصب میهنی نداشتند . من که با او مباحثه کردم دیدم که اطلاعاتی ندارد وقتی یکی دو کتاب در اختیارش گذاشتم گفت آرزو داشتیم که چنین کتابی را داشته باشیم و بخوانم ولی پولش را نداشتیم، این چیزی است که دولت باید متوجه باشد که از هم اکنون نوجوانان و جوانان مغزیشان میهنی بر اطلاعات میهنی و واقعی و اخلاقی و مذهبی باشد و اگر مالان

باین مساله نپردازیم مصیبتی در آینده متوجه نسل آینده می شود که مربوط میشود به نسل امروز ما . متشکرم از اینکه بعرایضم توجه فرمودید . (احسنست)

۴ - تقدیم لایحه اجازه استرداد تا پانصد متر مربع از منابع ملی شده به اشخاص بوسیله آقای منصور معاون وزارت کشاورزی و عمران روستائی .

رئیس - آقای منصور بفرمائید .

منصور (معاون وزارت کشاورزی و عمران روستائی) - با کسب اجازه از مقام منبع ریاست و نمایندگان محترم لایحه اجازه استرداد تا ۵۰۰ متر مربع اراضی ملی شده به اشخاص را تقدیم میکنم و تقاضای بررسی و تصویب آنرا دارم .

رضاشاه کبیر است به مازندران که قیمت آن ۲۰۰ تومان است ، آیا شما فکر می کنید نوجوانان می توانند ۲۰۰ تومان بدهند و این کتابها را بخرند و بخوانند ، اینها را برای کمی چاپ کرده اند آنها نیکه وقت باین امور هستند باید این مسائل را در نظر بگیرند ، ما باید افکار نوجوانان را دریابیم که افکار آنها مزرعه و نمو افکار بلید خارجیان نباشد (احسنست) من تکرار می کنم واصرار میورزم به معاون محترم وزارت فرهنگ و هنر کسه این مساله را در برنامه کار خودشان بگنجانند که حتماً دولت ایران مقداری از هزینه چاپ کتابهای میهنی و مفید را بپردازد و آنها را به بهای ارزان و تقریباً رایگان در اختیار نوجوانان بگذارد . یک موضوع دیگری که باید اشاره کنم و در واقع کمبودی است که جوانان ما دارند این است که ابدأ عادت به کتاب خواندن ندارند: عادت به کتاب خواندن را ما باید مثل عادت به ورزش کردن در آنها بوجود بیاوریم . (صحیح است) از چه راه ؟ از راهی که کتابهای ارزان قیمت در اختیارشان قرار بدیم چون کتابهای جلدی ۹ تومان و صد تومان خریدن بایشان عملی نیست باید این کتابها با قیمتی در حدود ۲ و ۳ تومان بدست نوجوانان برسد، تا سفردار که جوانی دانشجو بمن میگوید خاندان صفویه نژاداً از خاندان ترکان مغول هستند و آنها ایرانی نبودند و تعصب میهنی نداشتند . من که با او مباحثه کردم دیدم که اطلاعاتی ندارد وقتی یکی دو کتاب در اختیارش گذاشتم گفت آرزو داشتیم که چنین کتابی را داشته باشیم و بخوانم ولی پولش را نداشتیم، این چیزی است که دولت باید متوجه باشد که از هم اکنون نوجوانان و جوانان مغزیشان میهنی بر اطلاعات میهنی و واقعی و اخلاقی و مذهبی باشد و اگر مالان

رئیس - لایحه به کمیسیون های مربوط ارجاع میشود .

۵ - ادامه مذاکره در گزارش شورای اول کمیسیون دادگستری راجع به جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین .

رئیس - کلمات لایحه جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین مطرح است آقای پزشکپور بفرمائید .

پزشکپور - همکاران گرامی لایحه جلوگیری از افزایش نامتناسب قیمت زمین که دو جلسه است در مجلس مطرح است حائز اهمیت است و همین اهمیت سبب شد که شاهنشاه ایران زمین با صدور فرمان خاصی دولت و قوه مقننه را هدایت فرمایند که نسبت باین مساله بسیار مهم و حیاتی امعان نظر لازم را بنمایند و تمهیدات لازم را بکار به بندند ، برای اینکه زمینی و قیمت زمینی از حد معقول و عادلانه تجاوز نکند . روشن است زیراستفاده در سالهای متعددی بخصوص در یکدهه اخیر مساله زمین تأثیرات بسیار ناگواری در نظام اقتصادی مملکت بوجود آورده است بحدیکه این تأثیرات ناگوار نه تنها نسبت به شهرها ، نسبت به متقاضیان سکونت در شهرها نبوده و نیست بلکه بطور قطع بایک بررسی دقیق مشخص می شود که یکی از عوامل مؤثری که بسیاری از روستاهای ایران را بسمت نابسامانی کشانیده و روستاها را از موضع یک واحدهای تولید کننده برای مملکت خارج کرد مساله زمین و بورس بازی زمین و در نتیجه درآمد های بسیار رفعت و نامشروع و نامتناسب از طریق بورس بازی بوده است (صحیح است) و من این نکته را بناچار باید تذکر بدهم که نه تنها این مساله ناگوار مساله بورس بازی زمین و تبدیل زمین از یک کالای مصرفی به یک کالای مبادلاتی در جمع نظام اقتصادی مملکت بوجود آورد بلکه در نابسامانی طرز کار سازمانهای اداری ، در ایجاد بسیاری از مفاسد در واحدهای اجتماعی تا تأثیر مستقیم و بسزائی داشته است (صحیح است) بنابراین یک چنین عامل فساد یعنی من در مجلس شورای ملی ایران مساله زمین را و عوامل زمین را بعنوان یک عامل انحطاط و فساد معرفی می کنم (آقرین) بنابراین از این موضع می بایست بطور قطع موضوع مورد بررسی قرار گیرد البته این بررسی تاریکی ندارد بلکه این بررسی کراراً در همین جلسات مجلس شورای ملی صورت گرفته ولی من بسی در شگفت بوده و هستم که چرا دستگاههای اجرایی مسئول آنگونه که باید و شاید باین مساله توجه

نکرده اند و نخواسته اند این دمل را بشکافند و اگر حالا هم ما بخواهیم بانی تقابلی و غمض عین و بایک بررسی، باری بپروچیت کردن، از کنار این مسأله بگذریم بنظر من نه فرمان فرماندهی مملکت بنحو صحیح انجام شده است و نه این مشکل اجتماعی را ماحل خواهیم کرد. بنابراین این ما باید برای یک بار این موضوع را بررسی کنیم و بطور قاطع و با شدت عمل مورد نظر قراردادها و اقدامات لازم را مبذول کنیم، خوب، ببینیم اشکال در کجا است؟ در جلسه گذشته برخی از دوستان که مطالبی بیان داشتند به این موضوع اشاره فرمودند که اصولاً ما از نظر واحدهای مسکونی یا ایجاد واحدهای دیگر در شهرها دچار کمبود زمین نیستیم. ممکن است این مسئله جای تعجب و بررسی باشد که از نظر زمینهای کشاورزی آن گونه که باید و شاید غنی نباشیم که این جای بحث و سخن دارد ولی آنچه مسلم است از جهت زمین برای واحدهای مسکونی و سکونت ما دچار کمبود نیستیم و بعد کافی زمین هست اما چرا این مشکل هست و مشکل سکونت بوجود آمده است؟ که این مشکل مشکلات دیگری را هم بوجود آورده است بنظر من مشکل کمبود زمین در یک چیز خلاصه میشود و آن حبس زمین است، زمین عرضه نمی شود و احتکار میشود، بجه کیفیت و در کجا احتکار شده است و در کجا زمین حبس شده است؟ در دوجا: در بخش خصوصی و در بخش دولتی (صحیح است) که البته دلایل و جهات بسیار دارد و من متأسفم که عرض کنم دانسته یا ندانسته تمهیداتی تا کنون بکار رفته از برای حبس زمین، یا احتکار زمین در بخش دولتی، بعنوان مختلف، مثلاً نقشه جامع شهرها یا داخل و خارج محدوده یک سلسله اقداماتی بوده است که سبب شده است گروهی غارتگر اکثریت قریب باتفاق مردم شهر نشین را غارت کنند (احسن است) سبب شده است که گروهی غارتگر به شدت بدترین و خشن ترین و ظالمانه ترین نحوی به استثمار گروههای تولید کننده و گروههای کم درآمد مبادرت کنند این نتیجه ای است که حاصل شده است و من بسیاری از مقررات و موازینی را که وضع شده است و بسیاری از تمهیداتی را که دستگاههای اجرائی در پیش گرفته اند از برای ایجاد شرایطی برای احتکار زمین، برای حبس زمین و برای غارت اکثریت قریب باتفاق مردم شهر نشین و حتی روستاها بوسیله گروهی معدود زمین خوار و زمین دار مؤثر میدانم و از مؤثرترین عوامل میدانم که حالا عرض میکنم و روستاها را هم گفتم تعجب نکنید همینطور که غالب

نمایندگان محترم آگاهی دارند روستائی بطرق مختلف آن زمین را که صاحب نسق بود و باو واگذار شده است به کیفیت از طریق مستقیم و غیر مستقیم واگذار میکند و درآمدی را که بچنگ میآورد، می آورد به شهر، برای اینکه سیصد متر زمین بخرد که بعد متمکن بشود و در واقع باین کیفیت دسترنج روستائی هم مورد غارت و چپاول همان زمین خواران بزرگ قرار میگیرد. این قوانین متعدد و مختلفی که آمد هیچیک نتوانست عقده و گره ها را بکشاید الا اینکه موجبات حبس زمین را بیشتر فراهم کند نمونه های بسیار دارد همان قانون با وجود تدرکاتی که داده شد بهرحال بان صورت درآمد که مانع از انجام معامله مجدد بشود ولی بهیچوجه مشکل را حل نکرد همانطور که میدانیم باقیمت های هنگفت زمینی را بفروش میرسانند ولی در دفترخانه باقیمت های منطقه ای سند را تنظیم میکنند یا به کیفیتی ظاهراً بیش از یک دست معامله نمی کنند اما طرخی پیدا کرده اند که جناب منصوریان توضیح دادند که معاملات بکرات انجام میگیرد و بهمان نحوه صورت میگیرد و من بسیار متعجب شدم که در بعضی از مواد این لایحه جناب دکتر کاشفی، بخصوص در ماده اول آن نه تنها قیمت منطقه ای تثبیت کرده اند بلکه ۲۰ درصد هم بر آن افزوده اند. شکفتی من در این است که در دوره رستخیز دولت با مجلسین بخواهند حتی بهای منطقه ای زمین را آنهم با ۲۰ درصد اضافه بعنوان بهای عادلانه معرفی کنند یعنی ما اینجا در مجلس شورای ملی بنشینیم و قانون وضع کنیم که بهرحال در سرتاسر مملکت بهای عادلانه زمین که کمتر از آن نمیشود تصور کرد همان بهائی است که وزارت دارائی بعنوان بهای منطقه ای مشخص کرده است این بهای منطقه ای چه جور مشخص شده؟ این بهای منطقه ای در یک حوز بورس بازی زمین معین شده یعنی وقتی زمین بعنوان کالای مصرفی تلقی نشد، وقتی زمین بعنوان کالای مبادلاتی معرفی شد وقتی آمد در میدان بورس قرار گرفت و روی زمین بورس بازی شد در نتیجه برخلاف منطقی و بطور تصنعی ارزش زمین رفت بالا و وقتی وزارت دارائی خواست مالیات بیشتر بگیرد آمد قیمت منطقه ای معین کرد اما در یک جامعه ای و در یک نظام اقتصادی که بر اساس اصول معینی چرخش می گشت اگر زمین مطلقاً جنبه کالای مبادلاتی نمی داشت بلکه فقط جنبه کالای مصرفی می داشت آیا قیمت زمین آنقدر بود که قیمت منطقه ای برایش مشخص بشود؟ بطور قطع چنین نبود و بطور قطع قیمت عادلانه زمین بسیار پایین تر از

آن حدی بود که بعنوان قیمت منطقه ای مشخص شده است یعنی قیمت منطقه ای همانطور که عرض کردم دو عامل دارد یکی عامل بورس بازی است و در این بورس بازی قیمتی برای زمین معین شده غامبل دوم اینکه وزارت دارائی خواست مالیات بیشتری بگیرد، آمد قیمت منطقه ای تعیین کرد ما چطور می توانیم در دوره رستخیز قانونی بگذرانیم که در تمام شهرها و شهرکهای مملکت قیمت عادلانه زمین همین قیمت منطقه ای است، خیر، من عرض می کنم اگر یک طریق قانونی بکار گرفته شود و قیمت زمین از آن قیمت غیر متعارف منطقه ای که بالا رفته بود پائین بیاید و بصورت کالای مصرفی درآید آنوقت قیمت معقول خودش را پیدا می کند و آنوقت آن قیمت معقول باید تثبیت بشود نه قیمت منطقه ای فعلی، تثبیت قیمت منطقه ای با ۲۰ درصد اضافه؟ این یک قیمت عادلانه برای مردم زحمتکش و گروههای زحمتکش کارگر و کارمند این مملکت نیست و مجلس رستخیز نمی بایست و نمی تواند چنین مادی را تصویب کند که قیمت منطقه ای که به سبب عدم عرضه زمین از طرف دستگاههای اجرائی و به سبب احتکار زمین در بخش خصوصی و دولتی بطور غیر معقول بالا رفته بود حالا برای اخذ مالیات بیشتر با ۲۰ درصد اضافه، ما قانونی بگذرانیم که این قیمت، قیمت عادلانه است. یک محاسبه ای یکی از دوستان کرده و بمن داده است باتوجه به این ضابطه ۲۰ درصد، وقتی نتیجه آن محاسبه را من خیلی تعجب کردم. اولاً دچار شکفتی شدم که ما ۲۰ درصد تورم داریم بسیار خوب میگوئیم داریم و با شهادت این تورم ابراز شده چون هرچه ما می گفتم که تورم وجود دارد می گفتند نداریم و این موضوع چه مصائب و مشکلاتی را بوجود آورد، حال ۲۰ درصد تورم داریم ولی به چه مناسبت این تورم برای زمین باری قبول بشود که نه رویش کار شده، نه نیروی انسانی بکار رفته و نه نقش تولیدی در مملکت داشته به چه مناسبت این ۲۰ درصد پذیرفته شود نسبت به جسم بی جان و زمین بایری که بدون هیچگونه نقش تولیدی در نظام اقتصادی مملکت و به این شکل در آن کنار افتاده است و زمین بایر است و اگر قرار باشد باطبق اصول و موازین در واقع شرعی و اصول و موازین مدنی که متکی است بر اصول و قوانین شرعی ما بررسی بشود زمین بایر در واقع متعلق به کسی خواهد بود که آن زمین را زنده کرده و احیاء کرده است علی ایحال با یک حسابی که یکی از دوستان کرده است اگر قرار شود بعنوان یک ضابطه این ۲۰ درصد اضافه را قبول کنیم بعد از دهسال زمین متری صد تومان میشود. ۹۲۷ تومان، محاسبه بفرمائید اگر چنین ضابطه ای را بخواهیم بپذیریم این یک ضابطه قانونی میشود که همواره ۲۰ درصد نسبت به بهای زمین اضافه کنند و گذشته از این که این اجازه داده شده، اصولاً خود دستگاههای اجرائی تبع دارند در اجرای این چنین امور، و اگر هر سال ۲۰٪ اضافه شود این بصورت تصاعدی بالا میرود، یعنی ۲۰ درصد که اسسال اضافه شده، میشود جزء قیمت زمین آنوقت سال بعد بهمان کیفیت بصورت تصاعدی میرود بالا، بنابراین، این راه حل گره مشکل ما را نمی کشاید. راه حل چیست؟ حالا من راه حل را عرض می کنم ما رسیدیم به اینکه زمین در دوجا احتکار شده، زمین در دوجا حبس شده، یکی در بخش خصوصی و دیگری در بخش دولتی و عجیب تر از همه ماده ۴ لایحه است که من را بیاد دادگاه بلخ می اندازد، ضرب المثلی است دادگاه بلخ، زمین را کسی می خرد باین شرایط سخت کسی که نیاز دارد، کسی که احتیاج دارد، کسی که با زحمتی آمده فروشش را فروخته، ما مملکتش را فروخته، حقوقش را جمع کرده و می خواهد برای خودش لانه و کاشانه ای بسازد، آنوقت شما به موجب ماده ۴ که در این لایحه پیش بینی شده دولت اگر تشخیص داد که چنین اقدامی خلاف قانونی شده میاید معاسله را بهم میزند و زمین را مطابق قیمت منطقه ای تملک می کند یعنی اینجا کمی مجازات شد؟ خریدار؟ عجیب است این هم آسانترین کار است اگر قرار باشد کسی مجازات بشود باید فروشنده ای مجازات بشود که برخلاف اصول و مقررات قانونی آمده زمین را فروخته، نیازی هم نداشته شما میدانید در قوانین جزائی ماهست حتی آنجا که کسی مرتکب جرم میشود اگر از راه اضطرار باشد یا مصون از مجازات است یا تخفیف های کلی برای او قائل میشوند در اینجا بیائیم کسی را که بر اساس اضطرار آمده زمین خریده والا نمی خرید، او را به این کیفیت مجازات نکنیم، در اینجا پیشنهادی تقدیم شده است که اول بهای عادلانه اصلاح بشود و تبدیل بشود به بهای معابلاتی، این صرفاً برای این است که از نظر معاملات و اصول معاملات ضابطه ای وجود داشته باشد و نه به عنوان بهای عادلانه تلقی شود. ثانیاً پیشنهاد شده است، هرگاه فروشنده اعم از بخش خصوصی یا دولتی یا شرکتها چون مدیران شرکتها مسئولیت خواهند داشت که اگر هر یک از آنان مرتکب این تخلف شدند، یعنی زمین را بیش از حد قیمت معابلاتی معامله کردند مابه التفاوت

بمنفع شهردارها وصول شود عرض می کنم در مورد شهردارها که اصولاً بنوع عقیده دارم فرور مسایل مربوط زمینهای داخل شهرها را بعد از شهردارها بگذارند یعنی تکلیف را بعد از شهردارها، بسپاریم. چون شهردارها نماینده مردم و مسئول تأمین رفاه مردم هستند و در حقیقت شهردارها هم بیک خود کفایی برسند بنابراین ما به تفاوت به نفع شهردارها گرفته بشود یعنی هر وقت فروشنده ای برخلاف مقررات عمل کرد و زمین را فروخت بموجب مقررات مندرج در ماده ۳۳۸ قانون مجازات عمومی که عنوانش کلاهبرداری است محکوم بشود زیرا او مرتکب کلاهبرداری شده. این از موارد مشخص قانون است که از یک اضرار استفاده کرده و گرانتر فروخته و این از مصادیق کلاهبرداری است بنابراین فروشنده باید باین مجازات محکوم شود مثلاً شهرداری زمین های عباس آباد را از مردم متری ۳۰۰ تومان ل.ی. ۷۰۰ تومان خریده و حالا ششدهام که میخواهد بفروشد متری دوازده هزار تومان سیزده یا چهارده هزار تومان، مسئولین و مباشرین آنها که شهرداری یا هر کس دیگری است باید آنها هم بکلاهبرداری محکوم بشوند مانند تمام مقررات را برای مردم بگذاریم ولی مقرراتی که بخش دولتی یا سازمان های عمومی از این مقررات مصون خواهند بود این درحقیقت قبول یک تفویض است که در عصر رستاخیز مورد پسند نیست. سنا عرض می کند گذشته از این دومورد اراضی که در اختیار بخش خصوصی هست پیشنهاد اینست که پس از وضع مقدار مساحتی که مورد احتیاج است ملک یا مالکان یا خریداران آنها اعم از صغیر و کبیر یا پسر و نوادرات آنها هم بقیه زمینهای باقی اگر در سال اول ساخته نشد مشمول درصد عوارض شهرداریها باشد اگر در سال دوم ساخته نشد مشمول ۸ درصد و اگر در سال سوم ساخته نشد مشمول ۱۰ درصد عوارض شهرداری و اگر در سال چهارم ساخته نشد مشمول ۱۲ درصد عوارض شهرداری شود و شهرداری بتواند مطالبات خودش را از این ملک وصول کند این سبب خواهد شد تمام زمینهایی که در اختیار بخش خصوصی هست، زمینهایی که در اختیار زمین داران بزرگ هست زمینهایی که در اختیار زمین خواران هست سرعت بازار فروش عرضه بشود از طرف دیگر پیشنهاد من و چندتن از دوستان اینست که بخش دولتی و شهرداری مکلف بشود زمینهایی که در اختیار دارند برای رفع نیاز مسکونی برای کسانی که واحد مسکونی ندارند یا زمین ندارند همچنین برای رفع نیاز زمینهای در

جهت ایجاد واحدهای تولیدی و صنعتی و هر نوع دیگر در اختیار متقاضیان و خریداران یا کسانی که میخواهند زمین را با اجازه بگیرند و با بهره کیفیت دیگر بگذارند، پیشنهاد شده است که ظرف شش ماه آئین نامه مربوط را وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و مسکن و شهر سازی و دادگستری تنظیم کنند و برای تصویب به کمیسیونهای مربوط مجلس شورای ملی تقدیم کنند یعنی باین کیفیت ما زمین را در دو بخش خصوصی و دولتی از چنگ احتکار خارج میکنیم و به بازار عرضه میکنیم زمینی که بیش از حد مورد نیاز مردم ما است آنوقت بهای زمین میرسد باین قیمت متعادل او مقتضی والا اگر مقرراتی باشد که زمین عملاً حبس شود به بازار عرضه نخواهد آمد این صریحاً اعلام میکنیم اگر لایحه باین کیفیت تصویب شود زمین دار زمین را نخواهد فروخت چون نیازی ندارد بفروشد زمین داری که خون مردم را میکشد باید ناچار بشود زمین را بفروشد در این صورت فقط آن کسانی که زمینی را برای رفع گرفتاری خودشان تهیه کرده اند تا چار سبوند زمینشان را بفروشند و لازم زمین دار عمده خواهد بود؟ و خریدار را که به دفترش می کشاند و میگوید شرطی این زمین را بخواهم فروخت که بدون حضور شاهد مابه التفاوت قیمت را بدون اینکه کسی خریدار شود بپردازم. رسیدیم بنوعی که آنوقت با ما معامله میکنیم در این صورت جناب آقای هرتسبندی شما چگونه او را تعقیب میکنید؟ بنظر بنده هیچ راهی ندارید بنابراین خانها و آقایان و نمایندگان دولت شما با میخواهید مسئله زمین حل شود باشد، اگر نمیخواهید بیهوده مردم را در حالت اضطراب و نگرانی نگذارید و بیهوده مردم را خوشبین نکنید باین ترتیب مسئله زمین حل نمی شود تنها راه حل این است که زمین را از حبس و احتکار خارج کنید آنها هم با بند و اندرز زنتکار انجام میشود نه با مجازات و نه با این مقررات (اجاق - مجازات باید باشد) عرض کردم جناب عالی یا من یا هر کس دیگر هر کارگر یا کارمندی که میخواهد دخترش را شوهر بدهد یا برای پسرش زن بگیرد و لانه و آتشیانه ای بسازد ناچار میشود هر شرطی را بپذیرد او بیرون در گوشه اطان زمینخوار و باو هر قدر بخواهد پول میدهد بعد می آید معامله را انجام میدهد ما تا زمین را از احتکار خارج نکنیم مسکن نیست منظور ما برسم و برای خارج شدن زمین از احتکار و راه علاج و برای عرضه کردن زمین توسط سازمان های عمومی به گروه های نیازمند پیشنهادات جامعی تهیه شده که برای بررسی در کمیسیونهای مربوط تقدیم میکنم (اجبت - اجبت)

رئیس - آقای دکتر یاقانی بفرمائید.
 دکتر یاقانی بزدی - با کسب اجازه از ریاست محترم مجلس شورای ملی بحث در مورد این لایحه بنظر من یکی از مباحث مهمی است که مجلس با آن روبرو است مادر سالهایی که افتخار خدمت در این ساحت مقدس را داشتم خیلی از لوایح در مجلس آمد که بعنوان مهمترین لایحه بحث میشد ولی بنظر من این لایحه بحث یکی از مهمترین لوایحی است که توجه مردم را بخودش جلب کرده است من در مورد این لایحه نمی خواهم عرض کنم تا چه حد قدرت اجرائی دارد و تا چه حد میتواند حلال مشکلات باشد اصولاً بحث زمین بنظر من یکی از مهمترین مسائلی است که مردم را نگران خودش کرده و باین مسئله توجه دازند ما اگر نخواهیم مشکل مسکن و زمین را حل کنیم بنظر من طبیب اول برای معالجه بیمار باید علت را بشناسد رشد نسبتاً متناسب بهای زمین علل بسیار بسیار زمین داری دارد ولی یکی تعداد آن علل آسیب های کلی است و یک مقدار آسیب های جزئی در مورد این لایحه که میخواهیم بگذاریم بنظر من معلول دو علت اساسی است یکی حبس زمین و احتکار زمین بدست عده ای زمینخوار و یادولت و یکی وارد شدن پول نفت در جریان کار مردم و بطور کلی ثروتمند شدن اکثریت طبقات مردم. مسئله زمین را من با مسکن از هم جدا میکنم درست است که در تأمین مسکن اصل اساسی و پایه اساسی زمین است ولی زمین دز کشور ما و در حال حاضر خود بطور مجرد مسئله جداگانه است و آنچه که من در اینجا عرض میکنم محصول یکی دو سال مطالعه و مطالعه است اصلاً زمین بازی برای جامعه ما یک نیاز روحی شده یعنی هر فردی از اطفال تا ادا همیشه علاقه داشته یک قطعه زمین داشته باشد و این یک نیاز روحی شده برای اینکه پول نفت که در دست مردم ب جریان افتاد بخصوص سرمایه های کوچک، محلی برای ذخیره درآمد خود که بتواند رشد تصاعدی متناسبی داشته باشد نداشته پس همه در درصد برآیند که پولشان را در جانی بکار بیاورند که بتوانند رشد تصاعدی داشته باشد و هم از آفات ارضی و سماوی مصون باشد این بود که از یک کارمند ساده و پیشه ور و معلم سعی کرد یک قطعه زمین بخرد ولو اینکه پولش را با قسط بپردازد. مسئله دیگری که بعد از بحران افتادن پول نفت موجب توجه مردم زمین شد مسئله محدوده تهران بود که بنظر من یکی از کارهای بی اساس و در جهت منافع زمین بازان و رشد نامتناسب قیمت زمین بود اینکه میگفتند آب و برق کم

است بهانه بود برای اینکه چه تهران را محدود می کردند و چه نمی کردند در مصرف آب و برق آن تغییری نمی کرد و نیاز افراد کم و زیاد نمی شد چه شهر محدودش بسته باشد و چه باز مردم همان اندازه مصرف آب و برق دارند وقتی مجبور باشد شهری ۵ میلیون نفر را بیدرد اینها مصرف آب و برق دارند حتی اگر شهر گسترش هم پیدا کند باز اینها مصرف آب و برق دارند آمدند و گفتند نمی توانست از این جاها با بیرون بگذارند و فکری هم بحال زمین های حبس شده نکردند. بنظر من اگر زمین بازان زمین را تا متری صد هزار تومان هم بالا ببرند خیلی لطف کرده اند برای اینکه وقتی دولت اجازه بدهد به عده ای و بگوید من این محدوده را برای تو نگه میدارم و هر تعداد ساکنانی که بخواهی، حتی کنار خیابان تخت جمشید، این زمین را بگذار من برای تو آب و برق را هم ذخیره میکنم. ما چندین سال فریاد زدیم که آقا، حالا که این بابا را بجزه دادید زمینش را حبس کنید و اجتناب کنید و مالکیتش محترم باشد، که البته بسیاری از این زمینها هم غصبی و اوقافی است. گفتیم آقا اقل این آب و برق را بعد از پنج سال از من منتزع کنید که اگر ظرف پنج سال روی این زمین ساختمانی نکرد و آب و برق بلا استفاده ماند، بدهید به آنها بی که احتیاج دارند، بدهید به کسی که در کن آن معطن آب و برق است. گفتید آب و برق هم باید برای آقا ذخیره باشد و هر وقت دلش خواست برود روی زمینش ساختمان کند. این مسئله محدوده تهران و رشد نامتناسب بهای زمین در تهران روی شهرستانهای دیگر هم بشدت اثر گذاشت. (صحیح است) اگر در اردکان بزد بپرسید آقا شما به چه مناسبت زمین اینجا را میگوئید متری دو هزار تومان؟ جواب میدهد که زمین آرایشگر تهران متری پنج هزار تومان است، زمین کباب پز یا آرایشگر یا اردکان بزد بیاید؟ اصلاً دلیل این گرانی هم معلوم نبود ولی به تبعیت از تهران زمین ها گران شد. اینجا بحث در علت العلل گرانی زمین نیست اما بحث در این است که آیا ما باین قانون می توانیم زمین را ارزان کنیم یا نه؟ بنده در مورد قدرت اجرائی این قانون و تأثیر آن عملاً تردید دارم. اما نگران یک مسأله هستم اگر دولت نتواند مبادلات بین افراد را کنترل کند در آینده خودش به این جهت زمین های مردم را تملک خواهد کرد، تردید در این نیست و در اینجا صفت عادلانه یک کمی است. علتش هم بسیار علت ریاضی و حساب دو، دو تا چهارتا است. ما دو نوع زمین داریم: یکی قطعات بزرگ و یکی قطعات کوچک متنوع از قطعات وسیع

منتهی صاحبان زمین‌های وسیع زمین‌هایشان را چندین برابر ارزشتر از قیمت منطقه‌ای فعلی خریده‌اند، حتی یک به صدم قیمت فعلی بنده مطالعه کردم در اطراف تهران زمین را از متری ۲ قران خریده‌اند متری ده تومان هم خریده‌اند و الان قیمت منطقه‌ای آن بین ۳۰ تا ۴۰ و حتی ۱۰۰ برابر است. یعنی همین زمین‌ها را تقسیم کرده‌اند و در قطعات کوچک متری چهارصد، پانصد تومان به مردم فروخته‌اند. حال اگر ما بخواهیم این قیمتی را که امروز به احترام قانون اساسی روی آن گذاشته‌اید. وگرنه قیمت عادلانه اگر قرار باشد نوشته شود، این نهایت ظلم نسبت به زمین‌های ۳۰۰ متری است و نسبت به زمین‌های بزرگ ۵۰۰ هزار متری و بزرگتر از آن نهایت لطف است. (صحیح است) پس در اینجا حق و قیمت عادلانه برای چه کسی رعایت شده است. الان آنچه که من عرض می‌کنم در این موارد پیشنهادهایی تقدیم کرده‌ام که حتماً در این لایحه باید فکری بحال اراضی سیصد متر و پانصد متر خارج و داخل محدوده بشود. برای اینکه آنها این زمین‌ها را یا برای مسکن خریده‌اند یا برای اندوخته خودشان، و این تنها امید مردم است. خدا میداند من تصور می‌کنم از چهار میلیون جمعیت تهران دو میلیون آنها امیدشان به اراضی سیصد متری و پانصد متری بسته است و اگر ما بخواهیم این زمین را به ثمن بخش از دستشان خارج کنیم واقعاً در حق آنها ظلم شده است (صحیح است) بنظر من این لایحه با شرایط فعلی و بایک قیمت منطقه‌ای برای زمین‌داران بزرگ بسیار خوشایند است و شنیدیم که آنها خیلی خوشحال هستند و آرزودارند هرچه زودتر این لایحه بتصویب برسد تا آنها بمنافع کلانی دست پیدا کنند. بنده پیشنهادی دادم که همین مسأله را ممکنست حل کند. مسأله دیگری که آقای دکتر بهرون خیلی رویش اصرار دارم و میخواهم توجه بفرمائید، چون برای مصلحت مملکت عرض می‌کنم برای اینکه در این چند روز اجتماعات بزرگی در اطراف تهران داشتیم که همه فسریداشان بنسب است میدانید مردم از اینکه اراضی شان را تملک کنید بچی ندارند بلکه نگرانیشان اینست که مثلاً زمین من را تملک کنید و بدهید به آقای دکتر کاشفی، دولت باید مطلقاً از این کار بپرهیزد من پیشنهاد کردم که دولت بهیچوجه حق ندارد که زمین دیگری را تملک کند و به شخص دیگری واگذار نماید (صحیح است) حتی اگر به حق و به قیمت عادلانه که هرگز نخواهد بود نیست، تملک نماید و خریداری کند، اگر چنین کاری انجام بگیرد پشت سرتان

می‌گویند زمین مرا گرفتند و دادند بفلان کس، الان هزاران نفر در شرق و غرب فریادشان بلند است عده‌ای می‌گویند زمینها در اختیار سازمان زمین قرار میگیرد، من میدانم این سازمان بیچاره زمین، هیچ چیز ندارد در تمام محدوده داخلی تهران سازمان زمین دو هزار متر هم زمین ندارد به یزد هم که رفته و تحقیق کردم، دیدم در آنجا هم سازمان زمین در داخل محدوده زمینی ندارد و یک مقداری در حدود دو سبب هزار متر با مردم دعوا دارد که معلوم نیست در آن دعوا فاتح شود یا نه، مگر اینکه اراضی مردم را تملک کند و این تملک یا باید برای اجرای طرحهای دولتی باشد یا برای اجازه دادن به اشخاص، بهیچوجه دولت حق ندارد جای تملک اشخاص را عوض کند و در این عدم رضایت مردم که بهیچوجه به صلاح مملکت نیست پایش بماند، ضمناً دولت باید در این لایحه در مورد اراضی کوچک هم با ما موافقت کند که این اراضی را از مسئله کلی زمین جدا کند اگر تثبیت قیمت زمین است برای زمینهای بزرگ و رهایی زمینهای بزرگ از دست زمین بازان و زمین خواران باشد. (احسن - آفرین)

رئیس - آقای دکتر طیب بفرمائید.

دکتر حسین طیب - جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند، لایحه قانون جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین که در پیشگاه مجلس شورای ملی مطرح است از از لوائح مهمی است که فوق العاده مورد توجه افکار عمومی ملت ایران قرار دارد.

مستولان و مجریان وقت در سالهای اخیر باروحیه سرهم بتندی و سهل انگارتنی و دست بدست کردن بسیاری از برنامه‌های مملکت را با عدم موفقیت مواجه ساختند که در گزارشهای کمیسیون شاهنشاهی بخوبی منعکس می‌باشد.

مسئله زمین که امروز مطرح میباشد یکی از این عوامل است که بردوش جامعه و مردم و اقتصاد مملکت سنگینی می‌کند و گروهی اندک که کوچکترین پای بندی به حقوق جامعه ندارند عرصه زندگی را براکثريت جامعه ایرانی تنگ و دشوار ساختند که بهیچوجه قابل تحمل و گذشت نمی‌باشد

در برابر قانون اساسی و حقوق ملت ایران و مصالح جامعه ایرانی هر کس در حد خودش در پیشگاه ملت ایران و فرماندهی آن مسئولیت دارد هر کس در هر موضع از قدرت باشد باید بکوشد برای خدمت به ملت است و باید از فرصت‌ها و اعتمادهایی که بدست او سپرده شده به نفع

ملت سود بگیرد و این چیزی نیست که با حرف و ادعا سنجیده شود بلکه با کارنامه عملی و نتایج کار ارزشیابی میگردد این فرصت‌ها و امکانات بدست آمده در سالهای اخیر که بدست مسئولان سپرده شده مفت و آسان بدست نیامده که مفت و آسان از دست داده شود.

حوادثی را که وجود دارد و توطئه‌های بیشماری که از چپ و راست نو و کهنه شمال و جنوب شرق و غرب طراحی می‌شود و بی‌آندمانی که بر ضد استقلال و موجودیت می‌تواند با خود داشته باشد در نظر بگیریم آنگاه بخوبی احساس خواهیم کرد با چه روحیه نیرومند و برداشتهای قاطع می‌بایست برای حل مسائل دست به اقدام بشویم افزایش سرسام‌آور بهای زمین و بازبهای گوناگون که بازارهای سیاه و متنوع و رنگارنگ مثل سیمان - آهن شیشه و چیزهای دیگر از این قبیل علی‌رغم برنامه‌های رفاهی که می‌بایست تمام نیروهای انسانی مادی و معنوی جامعه ما را در راه یک حرکت مؤثر تاریخی بسیج نماید، هزینه مسکن و اجازه را در حدی بالا برد که دسترسی به آن را برای گروههای بیشمار ناممکن ساخت.

بیش از ۵۰ درصد از جمعیت ایران اکنون زیر ۲۰ سال هستند که در آینده بسیار نزدیک حق خواهند داشت از ابتدائی‌ترین و طبیعی‌ترین حق خودشان یعنی دسترسی داشتن به مسکن مناسب برخوردار باشند اما با کدام درآمد و چه گروه شغلی؟ زمین عامل تجارت و سودگری نیست کار و کوشش و ابتکار مفید بحال جامعه باید عامل مؤثر برای کسب درآمد باشد. بناسفاهه بیشترین مشوق سرمشق روحیه سودگری زمین بوسیله مسئولان و مجریان وقت و دستگاههای شهرداری‌ها انجام گرفت و در جامعه راه یافت اکنون هم به عقیده من با روحیه صداقت و صراحت باید اول فلسفه و برداشت تجارتي بودن زمین عملاً از سوی دستگاههای مسئول دولتی و شهرداری مردود و مطرود شناخته شود و آنچه را که سیاست‌های مملکت انتظارش را از جامعه و مردم دارد اول بوسیله دستگاههای دولتی و شهرداریها و سازمانهای مربوط به بخش عمومی واقعاً و عملاً مورد اجرا گذاشته شود تا هیچ تردید درباره این که مسئله زمین از صورت یک کالای تجارتي باید خارج شود و در موضع حقیقی یعنی یک کالای مصرفی مورد نیاز همگان قرار بگیرد در هیچ لایه‌ای از لایه‌های اجتماع باقی نگذارد - و بهای زمین مسئله‌ای برای جامعه نباشد چنانچه در بسیاری جاها دیگر هم که تراکم جمعیت بیشتری نسبت به مساحت مملکتشان دارند با درآمد سرانه قابل توجه بهای زمین جزء بسیار ناچیزی

از هزینه اصلی مسکن را تشکیل میدهد. اکنون که این لایحه جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین مطرح می‌باشد در شان مجلس شورای ملی است که در کامل ترین و بهترین صورت کار قانونی خودش را انجام دهد.

از جنبه‌های بسیار مثبت و سازنده کار قوه مقننه ارتباط مداوم و سازمان یافته چه از لحاظ تقنین قوانین و چه از بابت نظارت ملی با افکار عقاید و نظریات همگانی است که مجلس شورای ملی راهمانطور که روح قانون اساسی است نیرومندتر و مؤثرتر برای انجام وظایف ملی خود می‌سازد که خوشبختانه از ویژگیهای نظام مردم سالاری عصر رستاخیز و زمان ماست و چشم انداز های روشن تر و گسترده تری را در برابر نمایندگان ملت میگذارد.

از سینیاری که برای بررسی مسئله زمین و عوامل وابسته و لایحه تقدیمی دولت بوسیله حزب رستاخیز ملت ایران ترتیب داده شد نتایج بسیار ارزنده و سودمند بدست آمد که بی شک مورد توجه همه همکاران ارجمند قرار خواهد گرفت و فضائی را که در آن تصمیم گیری و داوربهای مملکتی انجام میگیرد بصورت فراگیرنده تری در تمام سطوح غنی تر و پربارتری می‌سازد که همگان از نتایج آن سود خواهند گرفت و درین باره بهم خود از امکانات مناسب و ارزشمندی که برای استفاده از نظرهای مردم و دیدگاههای گوناگون صاحب نظران در سینیار اخیر بوسیله حزب رستاخیز ملت ایران فراهم آمد سپاسگذاری می‌نمایم و امید است در موارد مشابه هم با فرصت‌های بیشتر و در سطوح گسترده تر و فراگیرنده تر این قبیل نظرخواهی‌ها صورت بگیرد و نتایج آن بی کم و کاست در اختیار علاقمندان قرار بگیرد تا براساس اطلاعات وسیع تر و تصمیم‌های ارزنده تر و دقیق تر اتخاذ گردد.

اینکه باید بگویم مسئله زمین که انگیزه اصلی تقدیم این لایحه است از دیدگاههای گوناگون در پیشگاه ملت ایران مورد توجه و بررسی است:

اول - پیونده مسئله زمین با مسکن و رابطه‌ای که قیمت زمین در بالا بردن هزینه تمام شده مسکن دارد بطوریکه بهای ساختمان و اجازه خانه را بکلی با درآمد های عمومی افراد و خانواده‌های ملت ایران به شکل غیر قابل تصور و پذیرشی نامتناسب ساخته و زندگی را برای خانواده‌های شرافتمند و گروههای بسیاری از اجتماع سخته و دشوار ساخته با قیمت‌های فعلی زمین و هزینه‌های ساختمانی تحمیل شده برابر مسکن تنها رقم استهلاک و برگشت سرمایه را در حدی بالا برده است که انجام هر خدمت و

تولید و کاری را با تنگنا مواجه ساخته برای نمونه فضاهای مدارس روز بروز متراکم تر و کوچکتر می شود - درمانگاه و بیمارستان بهمین ترتیب - فاد فضا و محوطه مانند لانه کبوتر روییم - کدام تأسیسات عمومی و یا خصوصی و باجه بهائی؟ و باجه تحمیلی بردوش مالیات دهنده؟ و با مصرف کننده نهائی؟ و بالاخره این درآمدهای عمومی است که به جیب گروهی معدود سرازیر میشود و جامعه نمی تواند از ثمره دسترنج کار و کوشش خودش از سطح رفاه شایسته برخوردار گردد که به موازات تدابیر سیاست هائیکه درباره حل مسئله زمین اندیشیده و اتخاذ می شود بایستی به عوامل دیگری هم که در نتیجه بهای تمام شده ساختمان و اجاره خانه را بطرز نامعقول بالایی برد توجه لازم صورت بگیرد مانند حذف واسطه های متعدد و غیر ضروری که وجود دارد و بازارهای سیاه که هر روز به شکلی به وجود می آید و اتخاذ سیاست هم آهنک و درست برای تنظیم انتقال و اشتغال جمعیت و توزیع عادلانه سرمایه گذارهای عمرانی در شهر و روستا - تا ثروتمند را ثروتمند تر و منلوك را منلوك تر نسازد و اختلافات فاحش برای ایجاد جاذبه های غیرقابل اجتناب از روستا به سوی شهر را بوجود نیاورد و مخصوصاً خانه های سازمانی و تأسیسات رفاهی مانند مدارس درمانگاه و راه دریک سطح حد قابل قبول با رعایت اولویت مناطق روستائی و بخش (که متأسفانه اکثرأ تحت عنوان غیر اقتصادی بودن از یک سو قبول نمیشود و ماز سوی دیگر اثرات زیانبار اقتصادی و اجتماعی آن بحساب گرفته نمیشود) و ایجاد شهرک های خود کفا که دیگر مراجعات مستمر روزانه به مراکز شهری ضرورت نداشته باشد که نا هم آهنکی درین زمینه از سیاست هاست که جابجائی زبان بخش و ناموجه و غیر طبیعی جمعیت را باعث می گردد که مشکلات مسکن گوشه ای از آنست و در بحران تنگنای نیروی انسانی که با آن مواجه می باشیم با جذب نیروهای انسانی به مشاغل غیر ضروری بیکاری پنهان نیز با شدت هرچه تمامتر در جامعه رخنه و رسوخ می نماید و تولید کننده در صف مصرف کننده قرار میگیرد.

دوم - مسئله زمین از دیدگاه توزیع غیر عادلانه درآمد ملی مانند یک غده سرطانی مهلک با نیروی دست اندازی فزاینده هرچه زودتر باید با قاطعیت ریشه کن بشود. سوداگری زمین چنین سرطان خطرناکی است که درآمد های ملی را که با زحمت و رویا روئی با مخاطرات تحصیل گردیده بجای آنکه در مسیر رفاه عمومی و تأمین نیازمندیهای همگانی و تحقق آرمانهای ملی بکار گرفته شود

به طرق گوناگون از چنگ اشخاص و صاحبان حقیقی آن خارج ساخته و به جیب گروهی بیگانه ثروت های کلان آسان و باد آورد را سرازیر می سازد و روح وحدت و یکپارچگی و تفاهم اجتماعی را دچار تزلزل و آشفتنگی می سازد که خواست دشمنان و بدخواهان تاریخی ملت ایران همین است که از چنین شرائط سود و بهره بردارند .

سوم - اثراتی که چنین ثروت های کلان آسان و باد آورد و بی حساب ناشی از سوداگری زمین و هر نوع ثروت اندوزی زحمت نکشیده دیگر در تورم و تزلزل مبانی اقتصاد ملی بوجود می آورد درست مثل جعل اسکناسی که قدرت های خرید فوق العاده بدون ارتباط با فعالیت سودمند و مورد نیاز واقعی جامعه برای جاغین فراهم می آورد که فشار ناشی از آن بصورت یک مالیات نامرئی و اجباری (که بجای سازندگی اثرات ویرانگری نسج جامعه ملی را بهمراه دارد) بر بقیه افراد جامعه تحمیل میشود که بنام سلامت جامعه ملی هرچه زودتر با قاطعیت و صراحت هرچه تمامتر باید ریشه کن و زودده شود.

چهارم - خشی و بی اثر ساختن جاذبه هر نوع فعالیت سازنده و سودمند و مورد نیاز جامعه در ارتباط با جاذبه کاذب سوداگری زیانبار زمین که سودهای کلان و بدون قبول مسئولیت که از راه معاملات و احتکار زمین بدست می آید با هیچ رشته و شغل و خدمت قابل رقابت نخواهد بود و مایه دل سردی و عدم اشتیاق نسبت به قبول مسئولیت در جامعه میشود و اگر ادامه داشته باشد معلوم نیست در چه سرزی متوقف خواهد شد که مخصوصاً درین مرحله از حیات ملت ایران که باید روز بروز هرچه بیشتر نسبت به گذشته اتکاء به درآمدهای ناشی از کار و کوشش ملی و درآمدهای غیر نفتی داشته باشیم - بایستی این دشمن شماره یک یعنی جاذبه سودهای کلان ناشی از احتکار و سوداگری زمین قاطعانه از پیش پای ملت ایران برداشته شود در حال حاضر سود سرمایه گذاری در امر زمین و ساختمان با هیچ سودی قابل مقایسه و رقابت نیست زیرا یک سود مرئی هست که بیشتر به آن استناد می کنند مثل محاسبه اجاره استهلاک و تورم و ازین چیزها که با حساب های متداول تعیین میگردد و ظاهری مشروع و قابل قبول دارداما در تمام این محاسبات یک سود نامرئی و ارزش افزوده زحمت نکشیده ای وجود دارد که هر سال چندین مرتبه بیشتر از هر درصد معقول متصور می که بازدهی

از نرخ های تورمی است شکسته شود. و درصد سهم آن در هزینه تمام شده مسکن و خانه که مورد احتیاج عموم میباشد جزء بسیار کوچکی متناسب با درآمد مشروع عمومی باشد - سپس طوری عمل شود که با افزایش تورم سالیانه که دست کم ا بهمان میزان هم حتماً باید درآمد عمومی بالا برود این نسبت درصد کوچک و ناچیز ثابت و یا برجا بماند و اگر این موضوع و هدف در تکمیل و تنقیح لایحه فراموش شود مثل آنستکه کاری بدون هدف انجام گرفته باشد.

بهین منظور باید در لایحه پیش بینی های لازم صورت گرفته باشد که بررسی می کنیم.

الف - بهای عادلانه زمین مندرج در ماده ۲ برابر با ارزش معاملاتی زمین که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی در سال ۳۰۳۰ م لیاک عمل قرار گرفته ناشی و متأثر از شرایط اضطراری و تورمی است که بهای واقعی و عادلانه زمین اگر شرایط اضطراری و تورمی وجود نمی داشت بسی پائین تر از ارزش معاملاتی تعیین شده از سوی

وزارت اقتصاد و دارائی می بود. ب - تعیین بهائی زمین بر اساس ارزش معاملاتی به ترتیب مندرج در ماده ۳ لایحه و ضمانت اجرائی که در ماده ۳ لایحه در نظر گرفته شده تا کافی و راه قلب و گریز از پرداخت مالیات واقعی به خزانه مملکت را باز نیگذارد.

پ - ضمانت اجرائی مندرج در ماده ۳ باین شرح «در صورتیکه به تشخیص دولت معاملات راجع به زمین های مشمول این قانون زائد بر بهای عادلانه انجام گیرد دولت یا شهرداری محل می تواند زمین مورد معامله را حداکثر تا یکسال از تاریخ انجام معامله با پرداخت نقدی تملک نماید تالی فاسدهائی بهمراه دارد بدین شرح: ۱ - غرامت را متوجه خریدار می سازد و فروشنده در امان است و تحمیلی است به شخصی که الزاماً برای رفع نیازمندیهای خود زمینی را خریده است.

۲ - اثبات اینکه معامله به بهای زائد از ترتیب مقرر صورت گرفته باشد کار روشن و ساده ای نیست و فساد دستگاه اداری را دامن میزند.

۳ - تأمدت یکسال مهلتی که در ماده ۳ لایحه به آن اشاره شده تکلیف مالکیت مبهم و نامعلوم است که این ابهام و تزلزل منطقی ندارد.

۴ - عبارت کش دار دولت یا شهرداری محل (میتواند زمین مورد معامله را حداکثر تا یکسال از تاریخ انجام معامله تملک نماید با تاکید روی کلمه می تواند که

اقتصادی هر رشته تولیدی و یا خدمتی می باشد سوداگری زمین که با کمترین سرمایه کار خود را بدون قبول مسئولیت آغاز می نماید به سرمایه گذاری بهره میدهد که هر وقت بخواهد می تواند آنرا تبدیل به پول بسازد چنانچه اگر در یک مقطع زمان مشخصی یکی در امر زمین و دیگری در هر رشته سودبخش دیگری که فکرش را بکنیم سرمایه گذاری کرده باشد در پایان مدت آنچه که مجموعاً در دست این دو گروه باقی مانده بطور غیر قابل مقایسه به سود آنکسی است که در کار زمین دست داشته!

بنابراین چون سودجویی در معاملات زمین هر جاذبه کار مثبت و سازنده را بخودی خود از بین می برد و طبق معمول جریان حرکت اقتصادی در جامعه همیشه تمایل آنرا دارد که مانند آب از مسیر آسان تر عبور کند به عقیده من راهی جز این وجود ندارد که این مسیر خطرناک و سرطانی و پرباد دهنده سوداگری زیانبار زمین که بدون مسئولیت و منافی و مغایر با سلامت اقتصادی مملکت کار می کند هرچه سریع تر - با صراحت - و قدرت هرچه تمامتر - مسدود و بسته و تعطیل شود تا در نتیجه حرکت اقتصادی در جامعه در مسیرهای متنوع مفید و سازنده و آنچه را که در حیات ملت ما لازم و ضروری است با رقابت های مشروع و آزاد و حقیقی هدایت شود و اقتصاد مملکت در موضع راستین و واقعی نقش مثبت خودش را در راه آرمانهای ملی ایفاء بنماید.

پنجم - اثرات سازنده و پهنی که سرمایه گذاری در رشته های تولیدی مورد نیاز جایگزین سرمایه گذاری در رشته های غیر ضروری زمین بازی و این قبیل سوداگری های زیان بخش بوجود می آورد که بایستی سیاست هائی دقیق و هم آهنک تنظیم بشود زیرا اگر پس اندازهای خانواده ها راه سالم و سازنده و قابل اعتماد در پیش پای خود پیدا نکند طبعاً یک راه دیگری را برای خودشان پیدا خواهند کرد که در آینده مسئله جدید دیگری را بوجود خواهند آورد . . .

باین ترتیب درباره سیاست زمین به عقیده اینجانب هدف ها مشخص و روشن، آشکارا و غیر قابل تردید است.

اول باید زمین در موضع حقیقی و حد طبیعی خودش قرار بگیرد و کسی بفکر استفاده از آن برای ثروت اندوزی و احتکار و مردم را در بحران گذاشتن نیافتد - همانطور که قبلاً هم چنین چیزی وجود نداشت، که در هر صورت زمین نه کالای تجارتی است و نه پشتوانه اندوخته - که یک کالای مصرفی و مورد نیاز همگان است - و باید نرخ های تورمی و حتی ارزش های معاملاتی هم که ناشی

تکلیف و الزام قانونی در آن مشهود نمی باشد راه گریزی است که اشاعه فساد و احتمال اعمال غرض هائی را باعث خواهد گردید

ت - چه اشکالی دارد اگر بر اساس قیمت های واقعی مالیات و یا عوارض تصاعدی از زمین اخذ شود و چنانچه با قیمتی کمتر از قیمت واقعی روز ملکی مورد معامله قراض گیرد دولت یا شهرداری محل بتواند همان زمینی را با پرداخت همان قیمت که در سند قید شده با اضافه چند درصد برای اجرای برنامه های خود تملک بنماید

بنابراین به نظر اینجانب مطالب مندرجه در لایحه وافی به مقصود نیست و باید همانطور که اشاره بان شد زمین در موضع و حد واقعی خودش قرار بگیرد و ملاک واقعی برای معاملات آن متأثر از نرخ های تورمی و شرایط اضطراری و سودجویی های کلان و سرسام آور سال های اخیر نباشد و طرح و عنوان مالکیت که طبعاً مورد احترام است دست آویزی برای تجاوز و آنتیپ و آنتیپ رساندن به حقوق همگانی نباشد که در چنین صورت احترام و اعتبار خودش را مانند هر چیز دیگری که از آن سوء استفاده شود از دست خواهد داد ...

پیشنهاد و نظر اینجانب آنستکه از مکانیزم تدابیر خاص مالیات یا عوارض تصاعدی بر اراضی بایر غیر کشاورزی به نسبت مساحت زمین ومدتی که زمین بدون استفاده باقی مانده است از یکطرف و مکانیزم عرضه نمودن اراضی که در اختیار دولت و شهرداری ها میباشد بشرط ساختمان بر اساس ضوابط معمول متداول از طرف دیگر استفاده شود که توضیح میدهم :

درباره قسمت اول با توجه به سیاست خود کفا بودن منابع درآمد شهرداریها که مورد توجه و نظر است پیشنهاد من اینستکه عوارض تصاعدی به نفع شهرداری یا دولت بر حسب مورد بر کلیه اراضی غیر کشاورزی بایر که در تملک اشخاص اعم از حقیقی و با حقوقی می باشد از تاریخ اجرای قانون به نحوی سالیانه بطور مرتب اخذ بشود که میزان آن برای اراضی کوچک اشخاص مثلاً تا ۳۰۰ متر بمدت ۱۰ سال تا میزان ۶۰ درصد بهای ملک و برای زمین های متوسط تا ۱۰۰۰ متر میزان عوارض تصاعدی در عرض ۵ سال تا میزان ۶۰ درصد و برای زمین های بزرگتر از ۱۰۰۰ متر در مدت ۳ سال به میزان ۶۰ درصد بهای ملک برسد و هرگاه میزان بدهی عوارض یا مالیات شهرداری یا دولت بر حسب مورد از ۶۰ درصد بهای ملک تجاوز بنماید دولت یا شهرداری بتواند با پرداخت

بقیه بها آنها تملک بنماید و بالاخره اگر عوارض معوقه هم چنان بدون پرداخت باقی بماند با توجه به جریمه و زیان دیر کرد و عوارض تصاعدی متعلقه سال های بعد بخودی خود و الزاماً به تملک شهرداری و یا دولت در خواهد آمد.

که با چنین مکانیزم قیمت های مصنوعی و ساختگی زمین بخودی خود شکسته شده و پائین خواهد آمد حتی با بهائی کمتر از قیمت ارزش معاملاتی زمین که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی تعیین گردیده عرضه خواهد شد و جز بخاطر مصرف واقعی تقاضائی برای زمین وجود نخواهد داشت و هر کس هم فضا و محوطه بیشتری برای ساختمان خودش می خواهد باید عوارض آنها شهرداری بپردازد و زمین از حالت یک کالای تجاری خارج خواهد شد ضمانت اجرائی این برنامه هم عادلانه و هم ساده و آسان است و هدف اصلی آن متوجه به زمین داران بزرگ می شود و اشخاصیکه زمین های کوچک تا ۳۰۰ متر دارند تا ۱۰ سال فرصت آنها خواهند داشت که از زمین خودشان استفاده نمایند و برای زمین های متوسط و بزرگتر هم فرصت های ۵ ساله و ۳ ساله منظور گردیده است که اگر در طول این مدت از این اراضی برابر با ضوابط ساختمانی استفاده صورت نگردد از پرداخت عوارض به شهرداری گریزی نباشد عین همین برنامه نیز برای ساختمانها و اماکن متروکه که فضای شهری را بدون حاصل اشغال نموده است می توان پیش بینی نمود در حالیکه ضمانت های اجرائی در نظر گرفته شده در لایحه دولت بصورت برابر برای دارندگان اراضی کوچک و بزرگ بمورد اجرا گذاشته می شود که چون صاحبان اراضی کوچک فاقد قدرت و توان سرمایه مادی هستند طبعاً اراضی کوچک تر جذب سرمایه های بزرگتری که قدرت مقاومت و پایداری بیشتری را دارند خواهد گردید که مغایر و منافی با هدف هائی است که انگیزه اصلی تنظیم این لایحه می باشد و بجای مالکیت های بزرگ باید مالکیت بصورت گسترده و واقعی به کانون خانواده های ایرانی انتقال داده شود تا هر دو دستان ایرانی احساس تعلق و پیوندهای بیشتری با آنچه که در این سرزمین وجود دارد داشته باشند.

و اما درباره قسمت دوم یعنی مکانیزم عرضه زمین هائی که در اختیار دولت می باشد باید بگویم عمل دولت همیشه مری و آموزش دهنده و الگوری کار جامعه است اگر می خواهیم زمین فلسفه و انگیزه تجارتی خودش را کنار بگذارد این سیاست اول باید از دستگاه های دولتی و شهرداری واقعاً با همان سیاست صداقت و صراحت که برنامه

دولت است شروع بشود تا نتیجه بخش باشد و دولت درین کار هدفش اعمال سیاست رفاهی باشد نه تجارتي و امداد عین حال اجازه داده نشود که گروهی خاص از این امکانات بسود خودشان بهره بگیرند و شرکت های خاص و مؤسسات واسطه و اصطلاح (سازندگان) که در ماده ۶ لایحه به آن اشاره رفته مثل قارج از گوشه و کنار میرویند و از تسهیلات و امکانات بهره بگیرند و همان عملی را که بساز و بفروش ها انجام میدهند کار را از آن تمام کنند و گران و نامرغوب بدست مصرف کنندگان برسانند که باز هم مغایر و منافی با هدف ها و سیاست های مملکتی است که گروهی استثمارگر تسهیلات و امکانات مملکتی را به زیان اکثریت به خود اختصاص دهند و جامعه را بی نصیب از مواهب و امکانات فراهم آمده بنمایند که با هوشیاری کامل بهنگام عرضه اراضی دولتی باید اقدام نمود. و این قبیل اراضی را پس از تعیین نقشه شهرسازی بصورت اجازه دراز مدت بشرط ساختمان هرچه بیشتر بصورت مستقیم تر در اختیار متقاضیان واجد شرائط گذاشت بدین ترتیب که اگر در مدت معینی از آن استفاده صورت نگردد اجازه نسخ و غرامت دریافت شود و هرچه بیشتر دست واسطه ها کوتاه تر بشود و کار مردم مستقیم تر بدست خود مردم سپرده شود تسهیلات عملی و منطقی از جهت اعتبار بانکی و چیزهای دیگر برای کسانی که بطور مستقیم می خواهند مسکن برای خودشان بسازند فراهم بیاید. نکات یاد شده در روح و فلسفه اصل هیجدهم که همزمان با آغاز کار دولت جدید از سوی شاهنشاه شرفصدوز یافت مستتر است که اشاره می کنم:

تأمین رفاه عموم افراد ملت - متناسب بودن هزینه مسکن با درآمد - افزایش نامعقول بهای زمین در سالهای اخیر - بالا رفتن بهای ساختمان و اجاره خانه - توزیع غیر عادلانه درآمد ها - بدون ارتباط بودن درآمد حاصله با فعالیت های واقعی تولیدی - تعیین تکلیف زمان بندی شده برای دولت - مبارزه با تورم کلی - اتخاذ تدابیر خاص مالیاتی - استفاده از زمین هائی که در اختیار دولت است - سایر اقدامات درین زمینه - افزایش بهای زمین که متجاوز از تورم سالیانه نباشد - سرمایه گذاری در رشته های تولیدی جایگزین را کدشدن سرمایه در امر زمین

رئوس سیاست هائی است که می بایست مورد توجه قرار بگیرد.

در هر حال مسئله زمین از دیدگاه منافع جاودانی جامعه بر اساس تقدم و اولویت مصالح و منافع دراز مدت همگان بر سودجویی های کوتاه مدت گروه اندک باید هرچه زودتر

و قاطع تر حل بشود و همه مردم این سرزمین بتوانند به نسبت لیاقت کار و کوشش و فعالیت های واقعی از مواهب و برکات و دست آوردهای این مملکت برخوردار گردند ، از توجه همکاران ارجمند به مطالب بیان شده سپاسگزارم (احست)

رئیس - آقای متولی بفرماید.

متولی - سازمان محترم برنامه و بودجه ضمن مشروحه از ما خواسته اند که چهار صد و پنجاه میلیون تومان اعتباریکه در این دو ساله به انجمنهای روستائی داده شده (کمتر از پولیکه در یکسال بشکست واحد اتوبوسرانی تهران کمک شده است) صورت آنها بسازمان مزبور بدهیم تا به کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گزارش کنند. ما اینکار را میکنیم تا سازمان برنامه و بودجه بدانند که این اعتبارات یا بمصرف حمام یا آب مشروب یا احیاناً راه یا تعمیر و بنای مدرسه رسیده است تمام آنها نیازمندی های اولیه هراتسانی. ما بسازمان برنامه و بودجه صورت میدهم تا در دستگاه پر هزینه کامپیوتر خود بگذارند بعد بوزارت بهداشت و بهزیستی بگویند که روستاها از لحاظ بهداشتی و درمانی امکانات کافی ندارند هر چند دهی که بادویست خانوار هنوز حمام ندارد یا آب مشروب سالم ندارد صحبت از بهداشت و درمان در آنجا بیهوده است به وزارت راه یا کشاورزی یا هر کس مسئول است بگویند که اینها راه لازم دارند که رفت و آمد آنها دشوار است. به وزارت نیرو بگویند اینها برق میخواهند که امکانات کشاورزی خود را رونق دهند و از روشنائی سالم و آسان آنها هم استفاده کنند. بوزارت مسکن و شهرسازی بگویند که مسکن این مردم نیاز به برپور شدن دارد و اگر دولت اعتباری برای مسکن و خانه سازی دارد کمک به مسکن این مردم کند. بوزارت تلگراف و تلفن بگویند که بخشهای مملکت و دهستانها هم تلفون میخواهد و به این روال هرگونه نیازمندیهای دیگر، آقایان بنده بارها عرض کرده ام که اندیشه و ذهن آدمی همچون جسم آدمی در محدوده که هست گرفتار میشود ما که در تهران بزرگ هستیم یاد شهرهای بزرگ دیگر همه گرفتار مسائل شهرهای بزرگ شده ایم اسیر ترافیک اسیر تخم مرغ اسیر مسکن شهریان اسیر شیشه اسیر سیمان و غیره و غیره که هر روز رنگ عوض میکنند جز ترافیک که همیشه هست. اگر صحبت از کمبود برق میکنیم موقعی است که چند ساعت خاموشی در تهران هست ولی اینکه بیست میلیون جمعیت روستاها نیز نیاز به برق دارند ذهن ما را نمیآزارد. وقتی از بردن آب به غیر محدوده

تهران یا شهرهای دیگر صحبت میکنم فکر ما متوجه اینهمه روستاها نمیشود که فسات آنها را که آب سالم به آنها میرساند خشکانند و اکنون با هزینههای گزاف باید آب غیر مطمئن به آنها برسانیم یا اینکه توجه نمیکیم که تأمین آب دائم التزاید برای تهران یا هر شهر بزرگ دیگر چه زبانی متوجه نفاط دیگر مملکت میکند کما اینکه جلگه ورامین که آبریز رودخانه جاجرود بود اکنون کارش بجانگی کشیده که میخواهند با هزینههای گزاف از فاضل آبهای تهران به آنجا آب برسانند و در این فاضل آبها در هر قطره اش چند میلیارد میکرب هست بحث دیگر است. آقایان امروز بچشان همه مسکن مردمی است که بدون هیچ عیلت موجهی در تهران سکونت گرفته اند و در اثر بکار رفتن بیشتر امکانات مالی و فیزیکی مملکت در این شهر جذب این محیط خفتان آور شده اند و با آنکه عیجکس نیست که شب در زیر سقف نخوابد و هفتاد هشتاد هزار واحد ساختمان خالی در آن صورت برداری شده است باز فریاد مسکن برآورده ایم و همه فکریان را بشهرهای بزرگ منصرف کرده ایم.

بنظر من مشکل ما اینست که اول روئین شود شهرهای موجود چه کوچک و چه بزرگ تا چه حد باید و میتوانند و صحیح است که بزرگ و بزرگتر بشوند چه مقدار زمینهای حاصل خیز را ضایع کنند چه مقدار آبهای مملکت را بخود اختصاص دهند و جلگه های وسیع را بایر کنند و چه مقدار اعتبارات مملکت که با مبارزه بیگانه و خسته ناپدید رعب خردند مملکت ایران بدست می آید و باجه دشواری آنها در شمال لاشخور های دنیایی باید حفظ و حراست کنیم در ساختمانهای لوکس تجملی و در راه تأمین خورد و خوراک این مردم پرخور و نیازمندیهای دائم التزاید آنها باید بمصرف برسانیم. تنها گوشت تهران سه میلیون گوسفند زنده استرالیایی و بلغاری و رومانی را طلب میکند.

آقایان مملکت ما پهنه وسیعی است یک میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع مساحت داریم و اگر بمعیار ممالک پیشرفته حساب کنیم یک میلیون و ششصد هزار کیلومتر راه شوسه میخواهیم و اگر حساب کنیم که قسمتی از مملکت کویر است باز یک میلیون کیلومتر راه لازم داریم راه آهن باید بهمه شهرها و بنا در و مرزهای ما برسد. معادن ما کم نیستند تنها بیست و پنج میلیارد تن در طبس خراسان ذخائر ذغال سنگ داریم چه کسی غیر از مردم ما باید اینگونه کارهای لازم و مفید را انجام دهد؟ و چون صنعت کافی نداریم نه تنها مواد خام کشاورزی چون پنبه بلکه سنگهای معدنی خود را صادر

میکنیم و اجناس ساخته را به بهای گزاف وارد میکنیم و بالاخره با همه کم آبی و دشواری که در کار کشاورزی ما هست باز امکانات زیادی برای کشاورزی و دامداری و سایر کارهای تولیدی کشاورزی در پهنه مملکت ما هست که همت میخواهد و تلاش و کوشش بگیرد و بهره مندی از تکنیک و صنعت و علم و کارتر بخش که باید مردم ما بهره گیرند و در اینجا روی لغت کار بنده تکیه میکنیم.

متأسفانه آماری نیست که روشن کند چه تعدادی از مردم مملکت ما خاصه شهرها مان بکار معنی واقعی کلمه اشتغال دارند.

بنظر من کار در بخش عمومی عملی است که متضمن سودی برای حال و آینده جامعه باشد و از لحاظ بخش خصوصی نیز عملی است که ضمن مفید فایده بودن برای فرد یا خانواده سود جامعه نیز در آن ملحوظ باشد. باین تعریف بسیاری از مشغله های مردم ما و متأسفانه قسمتی از اشتغالات بخش عمومی ما از زمره کار نیست. بمثل تشکیل سمینارها و جلسات نمایشی که سالها است بخش عمومی به آن مشغول بوده اند و اینروزها بحمد الله با توجه جناب آقای نخست وزیر کم شده اند این وقت گذرانیها را کار نمیتوان گفت و حاضر شدن کارمندان در ادارات هم اگر کار مفیدی برای مردم انجام ندهند کار نیست.

از طرف بخش خصوصی دائر کردن کارگاه هر وقت سازی یا قاچاق تریاک یا زمین خوری و بورس بازی زمین یا گرفتن انحصارات شغلی و یا وارد کردن اجناس خارجی لوکس و تجملی و از این قبیل مشاغل پرسود ولی مضر بحال جامعه هر چند باخطر و زحمت همراه است ولی کار محسوب نمیشود.

یکی از این اشتغالات زیان آور که سالها است بیشتر قوای فعاله را بخود جذب کرده است زمین خوری و بورس بازی زمین است و زیان اینکار بسیار است که بزرگترین آنها را من در منحرف کردن همه از کار تر بخش میدانم و سوق دادن مردم به بیکارگی و مفت خوری و بردن سودهای سرشار بدون آنکه از کاری حاصل آید و کشاندن همه به تبیل خانه های شهرها و رواج آوردن مردم به تجمل و اسراف و افزایش بی بند و بار واردات غیر مفید و بردن پولهای مملکت بخارج و کاستن از صادرات و بالاخره تباہ کردن اخلاق و وجدان عمومی و مایوس کردن افراد زحمتکش چه شهری چه روستائی از کارهای صحیح که جامعه ما سخت به آن نیاز دارد.

پس ضرورت تصویب قانونی در این مورد جایی چون و چرا ندارد. و از این نظر است که شاهنشاه بیداردل ما مبارزه افزایش نامتناسب قیمت زمین را از اصول انقلاب مقرر فرموده اند.

بر ما است که لایحه تقدیمی دولت را بخوبی تصویب کنیم که به این مسئله زبان آور خاتمه دهیم.

در ماده یک قانون بنظر بنده باید زمینهای کشاورزی را مستثنی کنیم چون آنها تابع لایحه قانونی دیگر است که در دستور کار مجلس شورای ملی است تا از تبدیل آنها بزمین غیر کشاورزی جلوگیری شود و صاحبان آنها ملزم شوند آنها را کشت و زرع کنند اگر حاضر نبودند بدیگران که حاضرند واگذارند و اما موقوف کردن اجراء قانون در نقاط مختلف مملکت به اعلام دولت نیز بنظر بنده صحیح نیست چون اصل انقلابی شاهنشاه عام است و زمین خوری و بورس بازی زمین هم بهمه شهرها و شهرکهای مملکت کشیده است و اصولاً ایجاد شهرکها غالباً بمنظور بورس بازی زمین بوده است و در ماده ۲ ارزش مالیاتی را بنده صحیح میدانم اولاً این قیمتی است که در همه شهرها عمل شده و مبنای خوبی برای تعیین ضابطه است و از طرف دیگر من نشنیده ام تاکنون کسی به این قیمتها معترض باشد و عوارض یسسا مالیات زیادتری بدولت یا شهرداریها داده باشد کما اینکه مبنای قیمت گذاری املاک در اصلاحات ارضی نیز بر مبنای مالیات بود.

در تبصره ماده ۲ اعلام قیمت های مالیاتی در نقاطی که تاکنون مشخص نشده منحصرأ در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارائی قرار داده اند بنظر بنده اینکار وسیله کمیشنیونی مشکل از نماینده وزارت امور اقتصادی و دارائی و نماینده انجمن شهر در داخل محدوده شهرها و نماینده انجمن شهرستان در خارج محدوده و شهرکها و کارشناس رسمی دادگستری و اگر نباشد کارشناس ثبت انجام گیرد مناسبتر خواهند بود. در ماده ۳ همانطور که بعضی از دوستان فرمودند باید واسطه در بین باشد بنظر بنده بانک ملی میتواند بهترین واسطه بین خریدار و فروشنده باشد و فروشندهگان ببانک ملی اختیار میدهند و خریداران ببانک ملی مراجعه می کنند و بانک ملی خریدار را مشخص میکند و اگر دولت یا مؤسسات عمومی دولتی یا شهرداریها نیاز به زمینهای ارانه شده ببانک داشتند حق تقدم با آنها خواهد بود برای صحت انجام معامله به نوب قانونی ضوابطی که باید از طرف بانک ملحوظ شود و نحوه عمل بانک و کارمندی که دریافت

کند طبق آیین نامه این قانون مشخص شود و بالاخره برای اینکه زمین داران بزرگ زمین را احتکار نکنند وضع مالیاتهای تصاعدی بر زمینهای بزرگ لازم است نه بصورت فعلی که هر موقع کسی میخواهد زمینی بفروشد از او مطالبه مالیات در معاصر میکند که غالباً تحمیل به خریدار است بلکه موظف باشد اظهارنامه مالیاتی هر سال بدهد و مالیات مشخصه را بپردازد تا ارائه زمین ببانک افزون بشود و محکمان با عدم عرضه زمین با قانون مقابله نکنند. بنظر بنده اگر ما با قانون موفق شویم ارزش زمین را متناسب کنیم دیگر امکان سودآوری از بایر گذاشتن زمین منتفی است برای اینکه صاحبان زمین استفاده ببرند و مال الاجاره بگیرند زمین را خواهند ساخت و این بهترین مشوق برای خانه سازی است چون زمین خالی بی فایده است.

دوستان من از خانه سازی از طرف دولت صحبت نمیکم چون معتقدم اگر دولت خانه های خود را که همانا تأسیسات و ادارات دولتی است بسازد کمک بزرگی بخانه دار شدن مردم در شهرها کرده است. چه همه ساختمانهای استیجاری که ماهیانه دولت مبالغه عظیمی مال الاجاره میدهند و ما هر سال در بودجه تصویب میکنیم ولی در این دوره رونق مالی و پولی برای تشکیلات خود خانه نساخته اند کما اینکه شهر عظیم تهران شهرداریش خانه ندارد وزارت بهداشتی خانه ندارد و قس علیهذا و

در همه شهرها و بخشها و دهستانها وضع بر همین سوال است. چه همه بیمارستانها چه همه مراکز آموزشی و ساختمانهای رفاهی که باید دولت بسازد یا باید از تقریظ اعتبارات دولت در ساختمانهای خصوصی جلوگیری کنیم تا دولت خانه های خودش را بسازد تا تأسیسات عمومی را بسازد و خانه های بازمانی مورد نیاز را در مناطق دور افتاده بسازد ولی نیاز مملکت بساختن روستاها و کمک به به مسکن آن مردم ضرورتی است غیر قابل انکار با وضع فعلی هرگز زلزله ای منطقه ای را ویران و هرسبلی خانه های گلی را فرو میریزد و هستی و زندگی آدمیان را تباہ میکند متشکرم (احسن).

رئیس - آقای دکتر تجدد بفرمائید.

دکتر حسین تجدد - جناب آقای رئیس - همکاران ارجمند بدون تردید لایحه جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین که به مجلس شورای ملی تقدیم شده یکی از مهمترین لوایح دولت است. این لایحه بمنظور تحقق بخشیدن به اصل ۱۸ انقلاب تهیه شده است. مدت ها قبل

از اینکه رهبر مملکت این فرمان انقلابی را صادر فرمایند بارها از مسئولین امور خواستند که برای حل مشکل زمین و مسکن چاره اندیشی کنند ولی متأسفانه مسئولین امور چاره اندیشی نکردند و روز بروز وضع بدتر میشد تا اینکه شاهنشاه آریامهر بمانند همیشه دشت قدرت از آستین بیرون آوردند و اصل ۱۸ انقلاب را بمنظور جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین و سرانجام حل مشکل مسکن صادر فرمودند ولی فرمان انقلابی لایحه انقلابی میخواهد و این لایحه ایکه به قوه مقننه تقدیم شده لایحه انقلابی نیست و خواسته‌های رهبر مملکت را درباره زمین و مسکن تأمین نخواهد کرد. (صحیح است)

در طول سالهای اخیر زمین خواری و زمین بازی بصورت یک بیماری مزمن اجتماعی و اقتصادی در کشور ما درآمده است و اکنون ما میباید برای درمان این بیماری مزمن تدابیر گوناگونی بیاندیشیم و راههای علاج پیدا کنیم و آنچه را که در طول ۲۰-۳۰ سال اخیر تصور کرده‌ایم بتدریج جبران کنیم که بتوانیم مشکل زمین و مسکن را آنگونه که رهبر مملکت انتظار دارند در چهار چوب مواد این لایحه حل کنیم کاملاً اشتباه کرده‌ایم. اگر در تنظیم مواد این لایحه دقت لازم را بکار ببریم و تمام جوانب را در نظر بگیریم بخشی از مشکلات زمین و مسکن را حل نمینماییم. (صحیح است)

تصویب این لایحه ممکن است در کوتاه مدت مؤثر باشد ولی بطور قطع این لایحه نمی‌تواند مشکلات پیچیده‌ای را که ضمن سالها در کار زمین و مسکن بوجود آمده است حل کند. در طول ۲۰-۳۰ سال گذشته دولتها و مقامات مسئول یا نخواهند و یا نتوانستند برای جلوگیری از بورس بازی زمین و حل مشکل مسکن پیشگیری و اقدامات لازم را بکنند. اگر بگوئیم نتوانسته‌اند، چگونه ممکن است دولتها که همواره صدها کارشناس و متخصص در رشته‌های گوناگون در اختیار دارند نتوانستند برای حل مسئله زمین و مسکن راه حل های معقول و منطقی پیدا کنند و اگر بگوئیم نخواسته‌اند این نتوانستن و تسامح از دولتهای قبل از انقلاب بعید نبوده ولی جامعه ایرانی انتظار داشت دولتهای بعد از انقلاب این مشکل بزرگ را حل میکردند و در ردیف دگرگونیهای عظیم اقتصادی و اجتماعی که پس از انقلاب در کشور ما بوجود آمده شایسته نیست که وضع زمین و مسکن این چنین مردم میهن ما را گرفتار و درگیر سازد.

در طول سالهای اخیر هر کس هر کار و شغلی داشته

سعی کرده در کار زمین هم بعنوان پردرآمدترین کار وارد شود چون در واقع آنچه را که از پرتو کارهای دیگر بدست می‌آورد در کار زمین و مسکن بازحمت خیلی کمتر چند برابر عایدش میشود. بورس بازی زمین و کسب درآمدهای سرشار از این راه سبب شیوع بیکاری و کم کاری و از همه مهمتر یاس و ناامیدی گروههای تحصیل کرده و کارکنان دولت شده است. هنگامیکه عده‌ای بدون اینکه تحصیل کرده باشند و یا زحمتی را متحمل شده باشند یک قطعه زمین می‌خرند و بعد از چند ماه چند برابر می‌فروشند فلان پزشک و یا فلان مهندس ناراحت میشود زیرا می‌بیند آنچه را که در یکماه بدست می‌آورد بعضی مواقع باندازه یک اجاره ماهانه منزل نمیشود. زمین زده است و در تمام شئون اقتصادی و اجتماعی جامعه ما را اثر سوء گذاشته. آنها نیکه‌دست اندر کار معاملات زمین هستند آنقدر درآمدها بالاست که درباره همه چیز اسراف و تبذیر میکنند ساختمان‌گران می‌خرند. ساختمان‌گران اجاره می‌کنند. احتیاجات منزلشان را که از محصولات داخلی میتوان تهیه کرد از خارج وارد میکنند و بگونه‌ای تعادل جامعه را بهم می‌زنند که دیگران ناگزیرند ضرر و زیان ناشی از اسراف آنها را تحمل کنند و این موضوع نهایت بی‌عدالتی است و مغایر با انقلاب ایران و هدفهای رستاخیز میباشد. در حالیکه توزیع عادلانه درآمدها و گسترش رفاه اجتماعی و استقرار عدالت اجتماعی در ردیف مهمترین هدفها در برنامه حزب رستاخیز ملت ایران ذکر شده است.

مسئله زمین و مسکن مسئله‌ای انتزاعی یعنی جدا از سایر مسائل جامعه ما نیست. علل گوناگونی سبب افزایش نامتناسب بهای زمین و ایجاد مشکل مسکن گردیده‌اند. یکی از این علل مهاجرت روزافزون روستائیان به شهرهاست. البته با انجام اصلاحات ارضی و گرایش مملکت به صنعتی شدن این مهاجرت اجتناب ناپذیر بود ولی آهنگ سریع این مهاجرت برای ما ایجاد مشکلات کرد که امروز از حل آنها عاجز مانده‌ایم و میبایست دولتها بموقع با اتخاذ تدابیر گوناگون این آهنگ مهاجرت را کند میکردند و آنرا تابع نظم و حسابی در می‌آوردند.

در قسمت سیاستهای اقتصادی برنامه دولت جناب آقای دکتر آموزگار در باره تعدیل آهنگ مهاجرت از روستا به شهر سخنی بیان آمده که امیدواریم کاملاً مورد توجه قرار گیرد و برای جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه و نامعقول روستائیان به شهرها اقدامات اساسی بشود چون

سالهاست که مسئولان مملکت از این موضوع سخن نمی‌گویند ولی عملاً هیچگونه اقدام اساسی که متکی به یک برنامه ریزی حساب شده باشد انجام نشده است و سرعت آهنگ مهاجرت از روستا به شهر بطور روزافزون ادامه دارد.

شهرنشینی در سال ۱۳۳۵ شمسی ۳۱ درصد و در سال ۱۳۴۵ شمسی به ۳۹ درصد رسیده و اینک میزان شهرنشینی در کل جمعیت ایران به ۴۹ درصد رسیده است و شواهد حاکی است که این آهنگ رشد در سالهای آینده نیز حفظ خواهد شد. در تهران ۴/۵ میلیون نفری رشد جمعیت ۴/۲ درصد است که ۲ درصد رشد طبیعی و ۲/۲ رشد مهاجرتی است. برابر حسابهای دقیقی که جمعیت‌شناسان کرده‌اند اگر مهاجرت به پایتخت چون گذشته ادامه یابد جمعیت تهران دمسال دیگر به ۷ میلیون تن خواهد رسید. تهران که در سال ۱۳۲۳ شمسی یعنی ۹۳ سال قبل ۱۴۷۰۰۰ نفر جمعیت و ۱۰ کیلومتر مربع وسعت داشت در حال حاضر طبق سرشماری اخیر مرکز آمار ایران حدود ۴ میلیون نفر جمعیت دارد و وسعت آنها حدود ۶۰ کیلومتر مربع است.

بهر حال گرایش به شهر نشینی و افزایش روزافزون جمعیت شهرها از علل مهم افزایش بهای زمین و مسکن است و کم کردن این آهنگ مهاجرت مهمترین وظیفه‌ای است که دولت در پیش دارد و امیدواریم بر خلاف گذشته تدابیری برای انجام اینکار، این کار مهم اتخاذ شود.

یکی دیگر از علل مهاجرت روستائیان به شهرها این است که نظام برنامه ریزی و نحوه تقسیم اعتبارات و پولهای مملکت غلط بوده ما آمده‌ایم بخش اعظم این اعتبارات را در تهران و سایر شهرهای بزرگ خرج کرده‌ایم و کمتر ب فکر تأمین رفاه و آسایش روستائیان بوده‌ایم در حالیکه روستائیان پایه‌های اصلی انقلاب ایران هستند و اولین اصل انقلاب شاه و ملت یعنی ایفای رژیم ارباب و رعیتی بخاطر آزادی و بهبود وضع آنها اعلام گردید. بازم دوسه ماه دیگر لایحه بودجه کل کشور به مجلس تقدیم خواهد شد. امیدواریم در این لایحه سهم بیشتری برای نوسازی و به سازی روستاها در نظر گرفته شود که روستائیان مجبور به مهاجرت نشوند که در نتیجه هم در شهرها مشکلاتی بوجود یابد و هم اینکه امور کشاورزی و دامداری در روستاها بعلت کمبود نیروی انسانی دچار اختلال گردد. (صحیح است).

مسئله مهم دیگر این است که اگر مردم پولها و پس اندازهای خودشانرا در راه زمین و مسکن بکار

می‌اندازند بعلت آوردن بیشترین بازده است چون برابر آمار رسمی بازده سود سرمایه گذاری در رشته کشاورزی ۸ درصد در سال در صنعت ۱۲ تا ۲۰ درصد در شمال و سرمایه گذاری در راه زمین و مسکن صد درصد و دویست درصد و حتی بیشتر است. مسئله زمین بازی و زمین خواری بزرگترین اسدراه پیشرفت و متری صنعت و کشاورزی کشور است حتی میخواهم عرض کنم بسیاری از صاحبان صنایع کشور که برای توسعه صنایع خودشان ملیونها تومان وام میگیرند و از پس انداز هزاران نفر مردم زحمتکش میهن ما استفاده میکنند باز در کار خرید و فروش زمین هستند و همینکه درآمدی از راه صنعت بدست آوردند بجای اینکه صرف توسعه واحد تولیدی و بهتر کردن کیفیت کالاها خود بکنند در کار معاملات زمین صرف مینمایند.

بسیاری از بانک‌ها که میباید نقش مهمی را در کمک مردم برای تأمین مسکن داشته باشند پولهای مردم را میگیرند و بانها بهره ۸٪ و ۹٪ میدهند و بانها پولها زمین می‌خرند و آپارتمان سازی و ویلا سازی میکنند و متری ۷-۸ هزار تومان می‌فروشند و بان ترتیب سودهای کلان را بدست می‌آورند.

دولت میباید تدابیری اتخاذ کند که مردم بجای زمین بازی با اعتماد و اطمینان کامل پولهای خود را در واحدهای تولیدی و صنایع مملکت بکار اندازند و اطمینان داشته باشند که سرمایه آنها در برابر تورم ارزش خود را از دست نمیدهد. بورس سهام میباید جای واقعی خود را در جامعه باز کند و قانون گسترش مالکیت واحدهای صنفی و تولیدی پیش از پیش گروههای مختلف جامعه را در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی سهم سازد.

با اعمال سیاست‌ها و تدابیری که عرض کردم عرضه زمین زیاد و تقاضا کمتر خواهد شد و سرانجام بین آنها تعادل بوجود خواهد آمد. در کشوری مانند کشور ما که سیستم اقتصاد آزاد دارد مکانیسم عرضه و تقاضا قیمت را تعیین میکند. یکی دیگر از عوامل مهم برقراری این تعادل، برقراری یک نظام مالیاتی صحیح و حساب شده است متأسفانه چنین نظامی وجود ندارد. تابعال از اراضی مورد معامله مالیات حقه وصول نشده و اشخاصی که در یک معامله میلیونها تومان استفاده میکنند مبلغ جزئی بابت مالیات میپردازند و با اینکه هیچگونه مالیاتی نمیدهند. مالیات بر اراضی بایر خیلی کم است و از سال ۲۵۲۶ شاهنشاهی هم که قانون مالیات مستقیم به تصویب

رسید. هیچکدام از شهرها جز تهران و شهر ری و شمیرانات شامل مالیات براراضی بایر نشده است و بهمین علت بود که در سالهای اخیر در بسیاری از شهرهای بزرگ مانند مشهد اصفهان - تبریز و همچنین در قطب های جدید الاحداث مانند اراک و قزوین قیمت اراضی خیلی سریع بالا رفت و زمینی هائیکه متری یک تومان بیشتر نبود وارد بورس شد و به قیمت های زیاد فروش رفت.

مالیات اراضی بایر تا صد هزار تومان معاف از مالیات است و بعد بتدریج زیاد میشود بطوریکه تا ارزش یک میلیون تومان نرخ مالیات ۴ درصد است جناب آقای طباطبائی معاون محترم وزارت امور اقتصادی و دارائی در جلسه تشریف دارند میدانند. زمینی را یک میلیون تومان معامله میکنند و در سند کمتر از صد هزار تومان مینویسند و یک ریال هم مالیات نمیدهند و فعل و انفعالات دیگر در لایحه افزایش مالیات اراضی بایر ۲-۳ برابر پیش بینی شده ولی پیشنهاد میکنم که لااقل ده برابر شود تا آنهایکه قصد احتکار و نگهداری زمین را دارند برای آنها مقرون بصره نباشد که زمین های خود را بمنظور گران تر فروختن نگهدارند بلکه مجبور به عرضه زمین شوند. البته برای زمین های کوچکتر میباید مالیات کمتر منظور شود.

اما راجع به مواد لایحه زمین هم نکاتی را بعرض میرسانم در ماده یک این لایحه بهای زمین ارزش معاملاتی تعیین شده از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی است بطوریکه تا پایان سال جاری ارزش معاملاتی باضافه ۲۵٪ و بعد هم در فروردین هر سال بهای زمین را ارزش معاملاتی باضافه میزان تورم آنسال براساس آماروارقام بانک مرکزی تعیین خواهد کرد. البته بهای زمین براساس ارزش معاملاتی عوارض نوسازی و مالیات را بالا خواهد برد ولی در تثبیت قیمت زمین چندان مؤثر نیست. برای تعیین ارزش واقعی زمین میباید مساحت، موقعیت و کاربرد زمین در نظر گرفته شود. اگر این

عوامل را در نظر بگیریم بیشتر صاحبان زمین های کوچک ضرر میکنند و صدمه می بینند مثلاً یک قطعه زمین بزرگ صد هزار متری را یک زمین دار بزرگ متری بیست تومان خریده و آن را تقسیم کرده به قطعات ۳۰۰ متری و ۴۰۰ متری از قرار متری ۴۰۰ تومان فروخته. ارزش معاملاتی این زمین هم بیست تومان تعیین شده. اگر صاحب زمین آنرا متری بیست تومان باضافه ۲۰٪ اضافه در سال جاری بفروشد زبانی نمی بیند ولی آنکس که قطعه کوچکی دارد و همه پس اندازش را صرف خریداری این زمین کرده صدمه می بیند و ناراحت میشود. همچنین صاحبان

زمین های کوچک اگر بخواهند از بانکها وام بگیرند برای ساختمان چون ارزش وثیقه ملاک اصلی پرداخت وامهای بانکی است مبلغ وام خیلی کم میشود و ام گیرنده نمی تواند ساختمانش را با تمام برساند و سرانجام باعث رکود معاملات مسکن و تقلیل فعالیت های ساختمانی خواهد شد ولی آنکس که زمین های وسیع را در اختیار دارد اگر بایهای ارزش معاملاتی هم آنها را عرضه کند ضرر نخواهد کرد. برای طرح لويزان و زمین های شوق تهران بوسیله دولت خریداری میشود. این زمین ها متعلق به ۲۸ هزار مالک است که ۴ هزار نفر مالک عمده هستند و بقیه خورده مالک اگر دولت همه زمین ها را با یک قیمت بخرد مالکین زمین های کوچک صدمه می بینند.

درباره موقعیت زمین سخن بسیار است و در جلسه گذشته بعضی از همکاران بان اشاره کردند. مثلاً در یک خیابان ارزش معاملاتی زمین دوهزار تومان است ولی در همین خیابان با فاصله صد متر و دو صد متر قیمت روز زمین از چهار هزار تومان تا ده دوازده هزار تومان تفاوت میکند یعنی یک محل مسکونی است زمین را متری چهار هزار تومان میدهند و یک زمین تجارتي است و زمین را متری ۱۲-۱۰ هزار تومان میدهند مثلاً در خیابان نادر شاه که من اطلاع دارم وضع چنین است در اینصورت ضحیح و منطقی نیست که این دو زمین یک قیمت داشته باشند زیرا آنکس که در محل تجاری زمین میخرد روی آن فروشگاه و مغازه میسازد و سرقفلی میگیرد و بیش از بهای زمین از سرقفلی بدست میاورد و اینک بهای زمین در یک منطقه با ارزش معاملاتی مشخص در اول کوچه و وسط کوچه و انتهای کوچه متفاوت است. بهرحال همانطور که عرض کردم میباید موقعیت و کاربرد و مساحت زمین را در تعیین قیمت دخالت دهیم.

در ماده ۳ گفته شده که اگر به تشخیص دولت معاملات راجع به زمین های مشمول این قانون بین اشخاصی اعم از حقیقی یا حقوقی به بهای زائد بر بهای عادلانه انجام گیرد دولت یا شهرداری محل حسب مورد میتواند زمین موزد معامله را حداکثر تا یکسال از تاریخ انجام معامله با پرداخت نقدی نهی عادلانه برای اجرای برنامه های خود تملک نماید. اجرای این ماده اشکالات زیاد دارد اینرا اولاً طرفین معامله سعی خواهند کرد مدرکی برجای نگذارند و اگر پولی زائد بر بهای عادلانه رد و بدل شود کسی متوجه نخواهد شد و اگر هم قرار باشد تشخیص اینکار با مأمور دولت باشد راه برای شیوع فساد هموار خواهد شد و خیلی مواقع راضی کردن مأمور دولت هم اشکالی

ندارد! از سوی دیگر در این لایحه پرداخت غرامت فقط متوجه خریدار است یعنی میباید خریدار هم جوب را بخورد و هم بیاز را یعنی هم زمین او را شهرداری میبرد و هم اینکه اضافه بر بهای ارزش معاملاتی را فروشنده میگیرد و در خانه اش راحت می نشیند. اگر واقعاً میخواهیم این لایحه جنبه های اجرایی محکم و قوی داشته باشد من پیشنهاد میکنم برای فروشنده هم مجازات ۳ تا ۶ ماه زندان در نظر گرفته شود و اگر رئیس دفترخانه ای هم که معامله در آنجا انجام نشده در جریان باشد مجازات گردد و علاوه بر بسته شدن دفترخانه مجازاتش در حد فروشنده زمین باشد.

در ماده یک همچنین روشن نیست که درباره تملک زمین توسعه شهرداری یا دولت معلوم نیست که دولت بهای زمین را به بهای زمان معامله میپردازد یا زمان تملک.

در ماده ۶ دولت مکلف شده از زمین های ملی شده و با زمین های دیگری که در اختیار دارد برای اجرای طرحهای خانه سازی در اختیار سازندگان قرار دهد. امیدواریم واگذاری این زمین ها باشخص مانند واگذاری جنگل ها و یا زمین های موقوفه نباشد و واقعاً زمین ها باشخصی واگذار شود که دارای خانه و زمین نباشند. من پیشنهاد میکنم این زمین ها ۹۹ ساله بدون حق واگذاری تا ۵۰ سال اجاره داده شود زیرا در گذشته زمین هایی را که دولت باشخصی واگذار کرد با گرفتن سرقفلی دست بدست وارد بازار بورس زمین نشد. همچنین پیشنهاد میکنم کسه شرکتهای تعاونی و مسکن از نظر واگذاری زمین اولویت داشته باشند. تا بحال ده ها شرکت تعاونی مسکن در سراسر کشور تشکیل شده و هر روز از رادیو و تلویزیون و مطبوعات از اهمیت تعاون و تأثیر آن در اقتصاد کشور ما سخن میماند و ولی عملاً هیچگونه کوششی از طرف دولت برای تقویت این شرکتهای تعاونی بعمل نیامد و مقررات و قوانین هم که در این باره وجود دارد دست و پا گیر است. نماینده اتحادیه شرکتهای تعاونی استان مرکز در سمینار زمین گفت در سه سال اخیر ۲۷ شرکت تعاونی در شرق و غرب تهران تشکیل شده و مقداری زمین هم از سازمانهای دولتی بصورت اجاره یا خریداری تملک کرده اند ولی تا بحال بهره داری که زده اند موفق نشده اند در این اراضی مسکن ایجاد نمایند یا بانکها اعتبار نمیدهند یا شهرداری ایجاد مشکلات میکند.

یکی از نمایندگان محترم گروه کارگر در مجلس شورای ملی دو روز قبل بمن گفت در طول ده سال اخیر ۴

شرکت تعاونی مسکن کارگری تشکیل شده و این شرکتها حدود ۳ میلیون تومان سرمایه نقدی دارند ولی متأسفانه تا بحال بعلت نداشتن زمین و مشکلات دیگر موفق بساختن خانه نشده اند و هرچه هم کوشش کرده اند از زمین های موقوفه بگیرند بانها جواب داده اند زمین نیست. شرکت تعاونی مسکن نساجیهای تهران حدود هفتاد هزار متر زمینی از زمین های شهری و تهران متری نود تومان برای ایجاد مسکن خریده اند یکسال است که شهرداری پروانه نمیدهد و میگوید فضای سبز است. تکلیف فضای سبز را هم تعیین نمی کنند آخرین مطلبی را که میخواهم عرض کنم درباره واسطه ها و دلالان زمین و مسکن است. همانطور که میدانیم دلالان و واسطه ها یکی از عوامل مهم گرانی زمین و مسکن هستند که با صحنه سازی و بکار بردن خدعه و نیرنگ بهای زمین و مسکن را افزایش میدهند میباید ماده ای در این لایحه گذاشته شود که دست واسطه ها و دلالان کوتاه گردد و در بعضی کشورها مانند سوئیس دلالی جرم جنائی شناخته شده است دفترخانه های اسناد رسمی و یا دفاتری که بوسیله شهرداریها تأسیس شود موظف بانجام دادوستدهای ملکی باشند.

رئیس - آقای تجدد وقت جنابعالی تمام شده است. بقیه نظراتان را بصورت پیشنهاد مرحمت فرمائید. دکتر تجدد - مقداری از مطالب من مانده است مثل اینکه در مقدمه زیاد صحبت کردم بهرحال پیشنهادهای زیادی دارم که تقدیم مقام ریاست می کنم.

رئیس - آقای قریبی فرمائید. قریبی - جناب آقای رئیس، همکاران عزیز، تاریخ ۳۵ ساله اخیر ملت ایران و فراز و نشیبهای بزرگ و خطیر آن و حرکت ملت ایران در متن تاریخ معاصر که سرشار از حوادث و دگرگونیهای بنیادی در سراسر جهان بوده روشنگر این واقعت بزرگ و افتخار آمیز است که مردم ما در این دوران حساس و در سالهای پراضطرانی که سرنوشت بسیاری از ملل در سایه حوادث و ماجراهای سهمگین جهانی با سختترین مصائب و رنجها، ناراحتیها و انقلابات و حتی نیستی و نابودی همراه وهم آغوش بوده از یکی از انقلابی ترین و آگاه ترین رهبریهای جهانی برخوردار بوده و به برکت همین رهبری و فرماندهی افتخار آمیز نه تنها کشتی طوفان زنده میهن ما با سلامت از درون امواج دهشتناک حوادث گوناگون سالهای پس از جنگ جهانی نجات یافته بلکه راه روشن و غرور آمیز خویش را بسوی ترقی و تعالی و پیشرفت و رفاه باز یافته و با ایمان و استحکام

بتجدید عظمت تاریخی خویش پرداخته است (صحیح است) یکی از خصوصیات بلاتردید رهبری و فرماندهی ما این بوده است که پیشوای توانای میهن ما وطراح عالیقدر انقلاب اجتماعی ایران همیشه با شناسائی و تسلط کامل بر حرکت جامعه و تاریخ و مسیر حوادث جهانی و تسلط همه جانبه بر نقاط ضعف فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم این آب و خاک و بازیافتن عالمانه عوامل بسیاری از ناراحتیها و حتی انحراف گروههای مختلف اجتماعی از مسیر صحیح حرکت و پیشرفت در حساسترین لحظات و مقارن با زمانیکه دستگاههای اجرائی و اداری در برابر مشکل و معضلی فرومانده اند بر روی نقطه ضعف اساسی انگشت گذاشته و با یک رهنمون آگاهانه و عالمانه جامعه را بسیر اصیل حرکت ملی و درهم شکستن موانع و مشکلات و از بین بردن نقاط ضعف موجود هدایت فرموده‌اند (صحیح است).

همکاران عزیز

صدور فرمان شاهانه در زمینه تثبیت نسبی بهای زمین و نجات سرمایه های ملی از میدان تنگ نظرانه و غیرمفید «خاک بازی» و هدایت آن بسوی کارهای تولیدی و خلاق و درهم شکستن مشکل زمین و مسکن هم مثل همه فرامین شاهانه درست و بوقع و برای رفع یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه ما شرف صدور یافت ولی همانطوریکه همه ما و مردم کشور ما میدانند و تجربیات سالیان دراز ایشان بر آن صحنه میگذارد این نکته اساسی است که این فرمان و محتوای آن چگونه اجرا میگردد؟

و بجه ترتیب در صحنه عمل پیاده میگردد.

اهداف فرمان خیلی روشن و قاطع است: بایستی بهای زمین تثبیت گردد و بمعنای دیگر خاک بازی، بوس بازی بر روی زمین و معاملات بزرگ بر روی اراضی وسیع و لابستاهی این مرزوبوم موقوف شود، مردم میهن ما با بهره گرفتن از این نعمت خدادادی که مثل بسیاری از نعمتهای دیگر باندازه کافی و وافی ارزانی خلق ما گردیده مشکلی بنام مشکل زمین و مسکن برای زیستن و زندگی کردن نداشته باشند، سرمایه ها و ثروت های ملی بجای تمرکز در خاک بازی و زمین بازی الزاماً و ناچاراً (از نظر اقتصادی) بسوی کارهای تولیدی و خلاق هدایت گردند و بالاخره دست گروه معدودی از فئودالان تازه بدوران رسیده شهری که با بورس بازی بر روی زمینهای داخل و خارج محدوده شهرها بچپاول ثروت ملی مشغول شده اند از گریبان مردم میهن ما کوتاه گردد.

حالا این سؤال مطرح میگردد که آیا پیشنهادات دولت بصورت لایحه کتونی میتواند با اهداف این فرمان جامه عمل بپوشاند؟

خوشبختانه اقدامات ارزنده و بوقع حزب رستلخیز ملت ایران و سمیناریکه برای بحث و اظهار نظر در این مورد تشکیل گردیده و قطعنامه آن را در زمینه پاسخ باین سؤال یاری میکند بهر حال با توجه به بررسیهای همه جانبه همکاران عزیز و پیشنهادات متعدد همکاران بنده نیز بطور خیلی خلاصه بعرض میرسانم که لایحه پیشنهادی دارای دو نقطه ضعف اساسی و اصولی است:

اول آنکه بطور کلی این لایحه هیچ راه حل توأم با ضمانت اجرائی جهت تثبیت نسبی بهای زمین پیشنهاد نمی نماید زیرا پیشنهاد دولت مبنی بر آنکه بایستی کلیه زمینهای موجود در داخل محدوده شهرها بر مبنای نرخ منطقه ای مورد معامله قرار گیرد چیز تازه ای نیست که بر آن تکیه شده چون در حال حاضر و قبل از تقدیم این لایحه هم برای فرار از مالیات و بسیاری از مخارج دیگر کلیه معاملات زمینهای مسکونی ظاهراً بر مبنای نرخهای منطقه ای مورد معامله قرار میگرفته و میگیرد در این لایحه بجز تشبیه خریدار!! هیچگونه پیش بینی برای جلوگیری از این نوع معاملات نشده است.

نقطه ضعف دوم اینستکه در این لایحه قانونی کلیه صاحبان اراضی از کوچک و بزرگ بایک چوب رانده شده اند و پیشنهاد دهندگان هرگز نخواستند باین نکته توجه کنند که واقعاً تفاوت بزرگ و اساسی است بین عده معدود و محدودی از زمین بازان بزرگ و صاحبان قطعات و صاحبان قطعات کوچک زمین که عده ای با پرداخت پس انداز و حاصل کاری چهل ساله خویش صاحب یک قطعه ۳ تا ۵ متری زمین شده اند در حالی که هدف لایحه علی الاصول بایستی درهم کوبیدن آن عده معدودی که صدها هزار متر زمین را در داخل و خارج محدوده شهرها به تملک خویش در آورده و عرصه زندگی را بر مردم زحمتکش این مرز و بوم تنگ نموده باشد بعقیده اینجانب برای جامه عمل پوشانیدن بنویات واقعی فرمانده عالیقدر مردم میهن ما و پیاده نمودن درست و صحیح فرمان صادره بایستی اولاً بهمان نحو که یکی از همکاران محترم پیشنهاد نمود در مرکز هریک از شهرهای ایران تشکیلات یا مؤسسه یا سازمانی در شهرداریها یا تحت نظر استانداران و فرمانداران یا انجمنهای دموکراتیک و حزب رستلخیز

ملت ایران بوجود آید که کلیه معاملات اراضی تنها و تنها از طریق این مؤسسه انجام گیرد تا بلکه کلیه راههای فرار سوداگران اراضی مسدود شود ثانیاً در لایحه پیش بینیهایی لازم جهت جلوگیری از خسارات احتمالی صاحبان زمینهای کوچک و محدود که کلیه پس انداز و دارائی خویش را برای خرید یک قطعه کوچک زمین بمصرف رسانده اند انجام گیرد و حساب آنها از بورس بازان زمین جدا گردد.

ثالثاً با توجه به بیانات مکرر جناب نخست وزیر که از نداشتن آمار و ارقام صحیح آشکوه و شکایت نموده اند برای پیاده کردن درست و صحیح فرمان دولت تدابیر لازم فوری جهت بدست آوردن ارقام و آمار (هرچند نسبی) از فئودالان بزرگ شهری و صاحبان هزاران متر زمین و همچنین گروه کثیری که فاقد حتی یک متر زمین نیستند بدست آورد تا هم قادر به نظارت دقیق بر معاملات گروه اول گردد و هم بتواند با اتخاذ تدابیر لازم و طرحهای دقیق نسبت بعرضه زمین کافی بگروه دوم توفیق یابد که توفیق در آن بلاتردید خود موجب تثبیت قطعی بهای زمین خواهد گشت توفیق همه را در راه تحقق بنویات فرمانده عالیقدر مملکت آرزو میکنم متشکرم. (احسن است)

رئیس - آقای دکتر واحدی بفرمائید.

دکتر قدرت الله واحدی - آنچه مسلم است تنظیم لایحه قانون جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین خود، هدف نبوده بلکه وسیله ای است برای نیل به هدف اساسی تدارک مسکن برای مسکین که در اجرای اوامر مؤکد شاهنشاه مردم دوست ایران، دولت به تقدیم آن به مجلس اقدام نموده است بنابراین باید وسیله انتخاب شده وافی به مقصود باشد و از طرف دیگر دولت باید سیاست هماهنگی را در این زمینه اتخاذ و اعمال نماید بنابراین حل مشکل عظیم مسکن تنها با شکستن قیمت زمین محقق نخواهد شد. (صحیح است) چرا که وقتی قیمت آب و برق را بطور سرسام آفرین افزایش دهند چنانکه در مورد حق انشعاب آب دوشهر بابل و گرگان کردند و یا با عدم حمایت از کشاورزی، روستائیان را ناچار به کوچ بی رویه بسوی شهرها کنند چنانکه بعلت اشباع بازار شمال از برنج خارجی موجب تضرر کشاورزان برنجکار شدند و در نتیجه کوچ روستائیان به شهرها و اشتغال آنها در بخش های کارگری به خیل انبوه متقاضیان مسکن بیفزایند در این بین جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین چه دردی را در مورد مشکل عظیم مسکن

درمان میکند؟ وقتی عوامل دیگر مؤثر در گرانی مسکن را نه تنها از میان بر نبرداریم بلکه خود دولت در ایجاد آنها دخالت کند دیگر چه فایده ای از پائین آوردن بهای نامتناسب زمین در امر تأمین مسکن برای مسکین عاید خواهد شد؟ (احسن است) حال، پس از اینکه اطمینان یافتیم که دولت سیاست هماهنگی را در امر مسکن بمنظور ایجاد تسهیلات برای ساختن واحدهای مسکونی و عرضه آن اتخاذ و اجرا خواهد کرد باید صحت از لایحه جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین کنیم که تأثیر بی تردید در افزایش نامتناسب بهای مسکن خواهد داشت. در لایحه تقدیمی دولت به تعیین بهای عادلانه زمین اشاره شده و در ماده ۳ در مقام ذکر ضمانت اجرای نقض مقررات این لایحه قانونی قید شده است که چنانچه به تشخیص دولت معلوم شود معاملات زمین بین اشخاص حقیقی یا حقوقی به بهای زائد بر بهای عادلانه انجام گیرد دولت یا شهرداری محل میتواند زمین مورد معامله را حداکثر تا یکسال از تاریخ انجام معامله با پرداخت نقدی بهای عادلانه برای اجرای برنامه های خود تملک نماید.

ایرادات زیر به این ماده که مهمترین و حساسترین ماده لایحه قانون پیشنهادی دولت است وارد میباشد:

۱ - تشخیص معامله به نرخ زائد بر بهای عادلانه انجام گردیده متعذر است و این امر دستاویزی خواهد شد برای ایجاد مزاحمت برای مردم و راه تازه ای برای اخاذی و سوء استفاده گشوده خواهد شد و در نتیجه مأموران مربوط و بخصوص مأموران شهرداری که وسیله النجات خود را در وسیله غرق کردن مردم بنحوی از انحاء جستجو می کنند، مستمسک خوبی برای ایداء مردم و سوء استفاده از آنها از طریق تهدید به اینکه معامله شما بیش از نرخ مقرر انجام شده، پیدا خواهند کرد.

۲ - در ماده فوق ضمانت اجرا بنحوی منجز و قاطع پیش بینی شده است و بجای اینکه ضمانت اجرا تکلیفی باشد تخییری است زیرا ماده صراحت دارد که دولت یا شهرداری محل میتواند..... و حال آنکه باید با عبارت مکلف است..... انشاء گردد تا هم بعلت اطمینان معامله کنندگان به اجرای قانون از دست زدن به این کار خودداری کنند و هم قانون بدون استثناء و در مورد هر فرد متجاوز به قانون به مرحله اجرا درآید زیرا وقتی برای شهرداری محل یا دولت الزام به اعمال ضمانت اجرا نباشد هر مواردی از آن استفاده شده و در موارد دیگر بر اساس روابط خاص از اعمال اجرای قانون

خودداری خواهند کرد و بار دیگر مصداق یک بام و دو هوا که ناظر به همین موارد اعمال نظرهای شخصی است مصداق پیدا خواهد کرد.

۳- در ماده قید شده است که دولت یا شهرداری محل برای اجرای برنامه های خود میتواند با پرداخت بهای نقدی مورد معامله بیش از قیمت عادلانه را تملک نماید بنابراین بازم در صورتیکه دولت یا شهرداری اراده کند و بخواهد که از اجاره و اختیار قانونی که با عبارت میتواند آمده استفاده نماید تازه این امر موکول به آن است که دولت یا شهرداری برنامه ای داشته باشد که به زمین مورد بحث نیازمند باشد و گونه موردی برای اعمال ضمانت اجرای نیم بند و تعارفی مندرج در ماده سه پیدا نخواهد شد.

۴- اجرای این ماده تنها به ضرر خریدار زمین است و فروشنده نفع خودش را برده و کسی متعرض او نمیتواند بشود. بنابراین این چهار ایراد اساسی به ماده سه که ضامن اجرائی قانون است وارد می باشد و وقتی قانون ضامن اجرائی مؤثر نداشت در واقع نتیجه ای از آن عاید نخواهد شد و حکم توصیه و اندرز را خواهد داشت که جایش در مجلس شورای نیست خاصه اینکه نه تنها مفید فایده ای در مورد تأمین مسکن برای افراد فاقد خانه نخواهد شد بلکه دستاویزی هم بدست مأموران فرصت طلب خواهد داد که به جان مردم بیفتند. با این ترتیب باید از این وسیله غیر کافی جهت تحقق هدف مبارزه با بورس بازی زمین و بالمال

کسب به عرصه فراوان مسکن صرف نظر کرد و در جستجوی وسیله مؤثر و مفیدی بود که بتواند در تحقق هدف صاحب مسکن شدن افراد فاقد مسکن که مورد تأکید شاهنشاه بوده است مورد استفاده واقع شود. برای رفع مشکل مسکن و جلوگیری از گرانی بی تناسب بهای زمین پیشنهاد میکنم که از تاریخ تصویب این قانون محدوده از میان برداشته شود و این غول عظیم به زانو درآید چرا که همین محدوده بازی موجب گردید که قیمت زمین بطور سرسام آوری بالا رود، چه وقتی تنها به زمینهای در محدوده مشخص اجازه ساختمان و احداث مسکن داده شود طبیعی است که تمام تقاضای ها در این محدوده متراکز خواهد شد و بعین این افزونی تقاضا، افزایش قیمت زمین بعنوان نتیجه محتوم و تبعی این امر ظاهر میشود.

موضوع محدوده متأسفانه در ایران در غیر مفهوم منطقی آن مورد عمل واقع شده است چه معنی حقیقی محدوده یعنی اینکه دولت در محدوده مشخصی خدمات و سرویس های رفاهی میدهد و در خارج از آن چنین

بگذرد ولی بخانه های اطراف آب ندهند اما به سکنه نارمک و پس از آن تهران پارس این سرویس را بدهند! چرا اجازه نمیدهند که مردم در اینهمه اراضی وسیع که شاید حدود ۱۶ کیلومتر طول آن است خانه بسازند و از سرویسهای رفاهی که الزاماً از این مسیر می گذرد برخوردار شوند؟

من در اینجا اعلام میکنم که تنها راه حل مؤثر جلوگیری از افزایش بی تناسب قیمت زمین برداشتن محدوده از شهرها و آزاد گذاشتن مردم در احداث واحدهای مسکونی است بدون تعهد دولت به دادن سرویسها و خدمات رفاهی است و تعیین یک محدوده خدماتی منطقی است که از فرم و شکل منطقی برخوردار باشد و موجب حبس اینهمه زمین در دل محدوده منطقی شهر نباشد آن وقت بر اثر عرضه زمین کافی در داخل محدوده و آزاد گذاردن ساختمان سازی در خارج محدوده و در نتیجه عرضه کافی زمین، خود بخود بین عرضه و تقاضا تعادل ایجاد شده و بالمال قیمت زمین نیز خود بخود متعادل و منطقی در بازار تعیین خواهد شد و نیاز به قانونی نخواهیم داشت که با تعیین بهای زمین و تحمیل آن انهم بدون هیچ ضامن اجرائی و قابل اعمال، تنها دستاویزی باشد برای اذیت و ایذاء مردم و عدم رضایت آنان که مسلماً متضمن اجرای نیت عالی و انسانی شاهنشاه مبنی بر بر صاحب مسکن شدن افراد فاقد مسکن نخواهد بود. (احسنت)

رئیس - آقای سالار جاف بفرمائید.

سالار جاف - با کسب اجازه از مقام ریاست در مورد لایحه تثبیت قیمت زمینها و تأسیس کلیه حرفه های جناب آقای دکتر واحدی و استدلالاتی که آوردند باعث واقعاً افتخار برای شخص بنده بود، بنده در این زمینه چند پیشنهاد دارم که دولت قبل از اینکه این لایحه تصویب بشود میلیونها متر زمین خودش را طبق تصویب نامه هیأت دولت به قطعات کوچک تقسیم کند و به مردم بدهد دوم راجع به زمین های مردم، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت امور اقتصادی و دارائی با شرکت شهرداریهای محل شرکتهای تشکیل دهند و سرمایه این شرکت زمینهای مردم باشد به قیمتی که تثبیت می شود این زمینها را بدست بگیرند و به مردم عرضه کنند تا از بورس بازی جلوگیری بشود سوم یک مسئله مهمی که بعداً مشکل خواهد شد تثبیت قیمتی که در تهران شده مناسب با تثبیت قیمت در شهرستانها نیست مثلاً در خیابان فردوسی کرمانشاه که

بهترین منطقه کرمانشاه است قیمت منطقه ای زمین ۱۸۰ تومان است در حالیکه ۲۰۰ تومان معامله میشود بهرحال لایحه ای که دولت آورده حاکی از حسن نیت دولت است و برای حل مشکل مسکن و لایحه به نفع عموم است ما هم بعنوان نماینده ملت تأیید میکنیم مشروط بر اینکه دولت خودش بعداً گله نکند مسائلی را تذکر دادند کاری نکنید که بعداً در اجرای این لایحه که بصورت قانون در می آید مشکلی پیش نیاید و اگر زمینهای دولتی هم به متقاضیانی واگذار شده فکر نمیکنم دیگر زمینی باقی بماند که مردم بخرند چون همه صاحب زمین خواهند شد برای اینکه دولت یک میلیارد متر زمین دارد که حدود ۸ درصدش داخل محدوده است، در مورد تثبیت قیمتها همانطور که تذکر داده شد به تمام دفاتر اسناد رسمی قیمت های منطقه ای ابلاغ شده است اگر من در منطقه عباس آباد زمین می خرم مالیات دو هزار تومان را میدهم نه اینکه کمتر بنویسند و کمتر بدهم چون دولت کاری را تمام کرده و مسئله قیمت زمین ها را در وسایل ارتباط جمعی اعلام نموده و بررسی که من کرده ام ۳۰ درصد بر قیمت قبل از تصویب اثر گذاشته و معاملات روی زمین را که مانده است و افراد مختلف، شرکت های مختلف ساختمانی درست کرده اند و اینهمه شهرک در اطراف تهران بوجود آمده و در سالهای آینده که این آپارتمانهای چندبسن طبقه عرضه شود

باسخگوی تقاضاهای مردم است هم چنین دولت باید راجع با بورس رفاهی کارخانجات فکری بکند و کارخانه های کوچک را تبدیل کند توصیه من این بود که اولاً دولت شرکتی بنام شرکت عرضه زمین به مردم توسط وزارت آبادانی و مسکن و وزارت امور اقتصادی و دارائی و شهرداری محل تشکیل دهد و کلیه زمینها را در اختیار بگیرد و نقشه های ساختمانی را مدیر عامل آن شرکت به مردم بدهد دوم در مورد تجدید نظر در قیمت منطقه ای زمین در مراکز استانها و شهرستانها اقدام اساسی بعمل آورد که بعداً مورد اعتراض واقع نشود و کاری کند که با منطق منطبق باشد سوم فوراً زمینهای دولتی را طبق تصویب نامه دولت ب مردم واگذار کند (احسنت) بقیه وقتم را به آقای سواد کوهی میدهم.

۶ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه.

رئیس - چون وقت دیر است وعده ای از همکاران علاقمندند در این لایحه صحبت کنند با اجازه خانها و

آقایان این جلسه را ختم می‌کنیم جلسه آینده ساعت ۹
 صبح روز پنجشنبه خواهد بود دستور جلسه آینده ادامه
 بحث در این لایحه و سایر لوایحی که در دستور امروز بود
 خواهد بود .
 (جلسه ساعت دوازده و چهل دقیقه پایان یافت)
 رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی